

سنجه کتاب

«بخش دوم»

علی اکبر صفری

مقدمه: سنجه کتاب مجموعه یادداشت‌های کوتاه و بلند است در حوزه کتابشناسی و نسخه‌های خطی و تراجم نگاری که از نکته‌های نویافته و مطالب تازه‌یاب تشکیل می‌شود. بخش یکم این مقاله در شماره پیشین فصلنامه میراث شهاب به چاپ رسیده و اکنون بخش دوم آن تقدیم می‌شود.

بصحه

سنجه (۲۶) رساله ای در بیان احوال فردوسی

این اثر از مخطوطات کتابخانه مسجد اعظم است و در معرفی آن آمده است: «رساله ای کوتاه در شرح احوال فردوسی صاحب شاهنامه که با استفاده از کتابهای کهن و متون پیشین نگاشته شده است».

این نسخه متن مجلس دوازدهم کتاب مجالس المؤمنین اثر قاضی نورالله شوشتری است که در آن زندگی و برخی اشعار بیست و سه شاعر شیعی از جمله فردوسی را آورده است. کاتب نسخه پس از پایان متن مجالس المؤمنین با عبارت: «... صاحب آثار البلاد آورده که وقتی از اوقات شیخ قطب الدین استاد ابو محمد...» ترجمه فارسی فرازی از کتاب آثار البلاد و اخبار العباد اثر زکریا بن محمد بن محمود قزوینی را که درباره طوس و فردوسی است به زندگی نامه فردوسی افزوده است. همچنین در ادامه ابیاتی از «هجونامه» منسوب به حکیم توس را افزوده است.

این اثر در فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه مسجد اعظم ج ۴ ص ۴۴۴ و فهرستواره دنا

ج ۱ ص ۴۰۰ و فهرست فنخا، ج ۲، ص ۳۱۱ با عنوان «احوال فردوسی» معرفی شده است.

سنجه (۲۷) کلمات قصار در جامه ابیات آبدار

کتاب کلمات قصار از پیشوای مردم پرهیزگار در جامه ابیات آبدار مجموعه نود و هفت کلمه از کلمات قصار حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام با ترجمه منظوم است که به قلم حبیب الله قاجار فرزند عبدالله خان کشیکچی باشی و نوه محمد رحیم خان علاء الدوله فراهم آمده است. این اثر مرقع به اهتمام دکتر دبیرسیاقی از روی نسخه منحصر به فرد که در اختیار یکی از افراد وابسته به خاندان قاجار بوده منتشر شده است. انتشارات حدیث امروز قزوین در سال ۱۳۸۸ این کتاب را به صورت عکسی و متن حروفچینی منتشر کرده است. حبیب الله قاجار این اثر را به سال ۱۳۱۱ ق در بیست و چهار سالگی نگاشته و به ناصرالدین شاه قاجار تقدیم کرده است. شاه قاجار در آغاز نسخه چند جمله ای درستایش این مرقع به یادگار نوشته است. چنان که در شناسنامه و مقدمه آمده؛ مصحح محترم افزون بر خوشنویسی چشم نواز این احادیث، ترجمه منظوم آن را نیز به این شخصیت نسبت داده است. در مقدمه آمده است:

«... به این شرح که نود و هفت کلمه از کلمات قصار حضرت را برگزیده و مضمون هر کلمه را

خمیرمایه دو بیت که خود سروده ساخته و ذیل همان کلمه قصار نقل کرده است...»

«... کاتب نسخه که خود گزیننده کلمات قصار و سراینده ابیات است تحریر کرده...»

«گلچین کننده آن کلمات و کاتب و ناظم ابیات حبیب الله خان فرزند عبدالله خان

کشیکچی باشی فرزند محمد رحیم خان علاء الدوله است...»

گفتنی است نظم این احادیث از حبیب الله قاجار نیست و تنها این احادیث و ترجمه منظوم آن را به نستعلیق قلم زده است. متن این مجموعه برگرفته از کتاب «مطلوب کل طالب من کلام علی بن ابی طالب» اثر رشید الدین وطواط (۵۷۳ ق) است جز این که شرح عربی و فارسی احادیث نیامده و ترجمه منظوم آن در این مرقع تحریر شده است. این خوشنویس نود و هفت کلمه کلمات مطلوب کل طالب با ترجمه منظوم برگزیده و در پایان سه رباعی در مدح ناصرالدین شاه به آن افزوده است.

انتخاب صد کلمه از کتاب مطلوب کل طالب پیشینه ای چند صد ساله داشته، علامه تهرانی در الذریعه (ج ۲۴ ص ۲۱۶) نسخه دیگری از «نظم صد کلمه» را به ترقیمه ۱۱۰۴ ق شناسانده است که در آغاز و انجام و تعداد کلمات با اثر یاد شده برابر است.

سنجه (۲۸) مجموعه رسائل ناشناخته در کتابخانه عتبه عباسیه (ع)

در فهرست مکتبه العتبه العباسیه المقدسه مجموعه یادداشتی از مؤلفی ناشناخته به



شماره ۲۸۲ (فهرست ج ۱ ص ۳۲۸-۳۲۹) این گونه معرفی شده است: «... فیها رسائل مختصرة للجامع نفسه وهو مجهول كما سبق وهي هذه
رسالة في ذم الموسيقى
رسالة في الحجاب
رسالة في وجوب حلق اللحية واسمه تنبيه الأمة على حرمة حلق اللحية
رسالة في حرمة الربا
أول المخطوطة: يا أيها الذين آمنوا به صيغه غايب چرا آورد در طوری که مناسب با آنها الذين
آمنتهم بود...»

مؤلف این مجموعه در حالی ناشناخته مانده که وی پس از شش صفحه مقدمه برای رساله تنبيه الأئمة على حرمة حلق اللحية (رساله سوّم) به صراحت از خود نام برده است «... پس از وضوح این مقدمات این کمترین محمود بن یوسف الحسینی الشهير بالعلوی اعطی الله کتابه بيمينه ربّه العلی به عنوان محبت و خیرخواهی نسبت به شیعیان مولی الموالی...» (گ ۱۲۶ ر)

با بررسی آثار این عالم فقیه که نام کامل او سیّد محمود بن یوسف علوی تبریزی (در گذشته ۱۳۸۱ق) است^۱، بدست می آید نویسنده دیگر رساله های این مجموعه نیز هموست. و همچنین مجموعه شماره ۲۸۱ (فهرست ج ۱ ص ۳۲۸) مکتبه عباسیه نیز همین شخص است. قرائن دیگر در اثبات این سخن این است که در صفحه ۳۱۷ از رساله نخست «فی ذمّ الموسيقى» با نام «هدایة المسترشدين الى حرمة الغناء فی الدین یا راهنمای گمگشتگان در حرمت موسیقی در اسلام = الغناء والإسلام» (مشهد، چاپخانه طوس، ۱۳۷۷ق / ۱۳۳۶ش، ۴۰۴ص)

این مطلب آمده است: «... بیخوابی در عصر کنونی جزء مسائل بسیار مهم در آمده از روی مصرف قرص خواب که در دنیا مصرف می شود میتوان فهمید که در آمریکا و اروپا اقلًا بیست درصد بدون خوردن قرص خواب نمیتوانند بخوابند ...
بنام اسلام را که از مضرات بی خوابی به تحریم مجالس عیاشی به پیروان خود را نجات داده و از خواب ..»

که با سطر ۱۵ تا ۱۹ برگ ۵ پ نسخه خطی برابر است.
فصل مربوط به «علائم آخر الزمان» که در نسخه خطی برگ ۱۱۶-۱۱۹ پ تحریر شده در

۱. زندگی نامه این مؤلف در منابعی همچون نقباء البشر ج ۵ ص ۳۲۳، مؤلفین مشارح ۵ ص ۵۹-۶۰، ضمیمه تاریخ علمای خراسان ص ۲۹۱، مشاهیر مدفون در حرم رضوی جلد اول: عالمان دینی ص ۱۲۱ و... آمده است.

پایان کتاب الغناء و الاسلام چاپی آورده است.

مطالب صفحه ۹۰ رساله دوم کتاب الحجاب و الإسلام یا بهترین ارمغان در حجاب زنان (مشهد، چاپ فیروزیان و پسر، ۱۳۷۶ق/ ۱۳۳۵ش، ۳۴۴ ص) که عبارتند از: «بعضی معتقدند که این عفریت بی رحم بیشتر از همه جنگها و مرضهای واگیرتلفات داده و بشر را به دیار نیستی فرستاده است و در سال ۱۴۹۵ که کریستف کلمب به آمریکا مسافرت کرد این مرض در ملوانان او پدید آمد...» با برگ ۹۵ پ یکسان است.

رساله چهارم با عنوان «ربا و اسلام یا بلوغ المرام فی حرمة الربا فی الإسلام» در مشهد (مشهد، چاپ طوس، ۱۳۷۹ق/ ۱۳۳۸ش، ۵۱۸ ص) به طبع رسیده است. در نسخه برگ ۶۲۱-۱۶۶ پ راههای فرار از ربا را شرح داده که با صفحات ۵۰۵-۵۱۵ کتاب یکیست.

یادآوری می شود با تطبیق این دست نویس با آثار چاپ شده بدست می آید نسخه مذکور مسوده یا پیش نویس آثار مؤلف بوده و در متن چاپ شده مطالب بسیاری بر آن افزوده است.

از رسائل دیگر مؤلف در این مجموعه:

در موضوع خداشناسی (۱۲ پ- ۴۳ ر)

درباره ادیان و مذاهب (۶۴ ر- ۸۳ پ)

رساله در وجوب محاسن؛ تنبیه الامه فی حرمة حلق اللحية (۲۷۳ ر- ۲۹۵ پ) و (۲۹۶ ر-

۳۱۷ پ)

رساله در نماز شب (بخش دوم نسخه گ ۲۰۵ ر- ۲۰۸ پ)

مجالس منبر (بخش دوم نسخه گ ۲۱۰ پ- ۲۴۸ ر)

یادآوری می شود یک سوم اوراق این نسخه نانویس مانده است.

از آثار دیگر مؤلف (از آن چه در پایان کتاب ربا و الاسلام نوشته است):

هدایة الاخوان در موضوع وظایف طبقات اسلامی، چاپ نجف، ۱۳۵۸ق (ذریعه ج

۲۵ ص ۲۰۵)

هدایة الأنام الی تعالیم الاسلام در اصول معارف اسلامی، چاپ فیروزیان مشهد،

۱۳۳۰ شمسی / ۱۳۷۱ قری (ذریعه ج ۲۵ ص ۱۷۲)

تنزیه الاسلام عن الخرافات و الاوهام (شش جلد)؛ بحث تحلیلی معارف اسلامی و احکام قرآن و

فلسفه احکام اجتماعی و طبیعی و اخلاقی و اقتصادی و مدنی اسلام (ذریعه ج ۴ ص ۴۵۶)

الشهاب الثاقب فی الاسلام و المذاهب (سه جلد)، جلد یکم در مقایسه اصول اسلامی با

اصول ادیان رایج جهان، جلد دوم در مقایسه فروع و احکام عالیہ اسلام با احکام ادیان دیگر،
جلد سوم در مقایسه اصول سیاسی و حقوقی و اخلاقی اسلام با ادیان دیگر (ذریعه ج
۱۴ ص ۲۵۳)

هدایة المسترشدين الى معارف الدين (سه جلد) در توحيد و نبوت و امامت و معاد (ذریعه
ج ۲۵ ص ۹۴)

گنجینه سعادت در دستورات عالیہ اخلاقی اسلام (ذریعه ۱۸ ص ۲۴۷)

بهارستان عرفان در اسرار حمد از قرآن

بزرگترین ارمغان یا سرمایه ایمان در وظایف مؤمنین

تعالیم الاسلام در نبوت و امامت و معاد

ارشاد العباد در فقه از طهارت تا دیات

ارشاد العقول الی درر الاصول در اصول عقلی و عملی

خزاین الفواید فی شرح الفرائد در شرح فرائد الاصول

اعلام الهدایة فی حلّ مشکلات الکفایة در حاشیه کفایه

نخبة المطالب فی شرح المکاسب در حاشیه مکاسب

نهاية للمأمول فی حلّ معضلات الأصول (ذریعه ج ۲۴ ص ۴۰۶)

با سپاس از سرور ارجمند جناب آقای محسن صادقی که تصویری از این مجموعه را در اختیار
نگارنده قرار دادند.

سنجه (۲۹) «احکام فقهی»

نسخه فقهی که در فهرست کتابخانه مجلس با عنوان «احکام فقهی» به
شماره ۱۱۲۹۷ (فهرست کتابخانه ج ۲/۳۳ ص ۶۹) معرفی شده، کتاب نخبه کلباسی است. در
این نسخه خطبه و مقدمه کتاب تحریر نشده و متن از فصل اول، از باب اول از مبحث اول از
مقصد اول شروع شده است پایان نسخه نیز تا مبحث اول یعنی باب پنجم «در لباس نماز کننده
...» قلمی شده است. این سهوبه فهرست فنخا ج ۲ ص ۲۳۲ نیز راه یافته است.

همین اثر در فهرست کتابخانه مسجد اعظم به شماره ۲۵۷۷ (فهرست، ج ۳، ص ۱۰۱) با
عنوان «رساله عملیه» شناسانده شده است این اشتباه نیز در فهرست دنا، ج ۵، ص ۸۱۸ و
فهرست فنخا، ج ۱۶، ص ۵۷۳ تکرار شده است.

سنجه (۳۰) «مواقف روز قیامت»

در فهرست کتابخانه مجلس نسخه ای به نام «مواقف روز قیامت» داری شماره

۱۴۵۴۶/۳ (فهرست ج ۴۱ ص ۴۳) به ملا محمد علی بن مولی محمد برغانی نسبت داده اند که کتاب «پنجاه موقف» است و آن ترجمه و شرح فارسی دو حدیث از اصول کافی اثر ملا محمد تقی مجلسی است و نسخه های در فهرست فنخاج ۶ ص ۴۴۰-۴۴۱ معرفی شده است. قدیمی ترین نسخه آن نیز به خط ملا علی بن جلال اصفهانی، تحریر ۱۲ شعبان ۱۰۷۷ ق در کتابخانه آیت الله طیب اصفهان موجود است نگاه کنید به کتاب محقق مجلسی؛ شرح احوال و آثار فقیه عارف مولانا محمد تقی مجلسی ج ۱ ص ۴۷۷-۴۷۶.

سنجه (۳۱) عقيله منجيه

نسخه منحصر به فردی از این کتاب که نام صحیح عقيله منجيه است نه عقلیه؟ و در موضوع اصول دین نوشته شده در کتابخانه مسجد اعظم به شماره ۲۹۰۴ (فهرست ج ۲ ص ۵۶۳) نگهداری می شود و در آن فهرست مؤلف «ابوالحسن محقق؟» معرفی شده و این مطلب به معجم التراث الکلامی ج ۴ ص ۲۶۷، فهرست دناج ۷ ص ۵۵۴، فهرست فنخا، ج ۲۲، ص ۷۷۵ نیز راه یافته است. عجیب این که نویسنده به صراحت در متن کتاب اشاره می کند «...تحقیق انیق را از کتاب سلسیل فقیر تبه کار سیه روزگار باید طلب نمود» (ص ۵) «ما بحمد الله بیان آن را باضافه مطالب عالیه در حصن حصین که شرح بر بلد امین جدّ امجد اعلی الله مقامه به بیان آوردیم» (ص ۱۰) «مادر حصن حصین متعرض اکثر آن شده ایم و تعرض در این رساله مناسب نیست» (ص ۲۳) روشن است نویسنده این کتاب ابوالحسن بن اسماعیل اصطهباناتی لاری ملقب به محقق العلماء، که کتاب حصن الحصین را که شرح مزجی منظومه بلد الامین فی اصول الدین اثر سید جعفر کشفی دارابی را تالیف کرده است. (الذریعه ج ۷ ص ۲۴) و همچنین کتاب سلسیل را. (الذریعه ج ۱۲ ص ۲۱۵).

سنجه (۳۲) پنج وصیت ملا اسدالله گورتانی اصفهانی

زندگینامه این عالم واعظ و فاضل کامل را مرحوم سید مصلح الدین مهدوی به اختصار نگاشته و علامه شیخ آقابزرگ تهرانی نیز دو کتاب از ایشان نام برده است که در ادامه خواهد آمد و دیگر منابع از آن نقل کرده اند.^۱ متن توصیفی مرحوم استاد مهدوی چنین است: ملا اسدالله بن علی محمد واعظ گورتانی، عالم فاضل واعظ کامل از اهالی قریه گورتان از بلوک ماریین اصفهان بوده و در سال ۱۳۲۳ ق وفات یافته و در تکیه صاحب روضات در تخت فولاد مدفون شد. وی مؤلف کتابی است به نام جواهر الایمان در اصول دین و اخلاق در پنج

۱. دانشنامه تخت فولاد، ج ۳، ص ۶۶۳؛ موسوعة مؤلفی الامامیه، ج ۶، ص ۱۵۶ و ...

مرحوم سید مصلح الدین مهدوی در کتاب دانشمندان و بزرگان اصفهان در معرفی ایشان نوشته است «مولی اسد الله جورتانی ابن علی محمد عالم فاضل مؤلف کتاب جواهر الایمان در اصول دین و اخلاق و مواعظ در پنج مجلد و غیره»^۱

در ذیل زندگی نامه برادرش ملاعباسعلی گورتانی نوشته است: «...برادرش مرحوم ملا اسد الله بن علی محمد واعظ و فاضل صالح بوده و در حدود سال ۱۳۲۳ وفات یافته، مؤلف کتابی است به نام «جواهر الایمان» در اصول دین و اخلاق در ۵ مجلد جلد اول توحید، دوم نبوت، سوم امامت، چهارم عصمت، پنجم معاد.

در کتاب شرح مجموعه گل (مشاهیر تکیه سیدالعراقین تخت فولاد) به نقل شیخ اسدالله جوادی؛ نوه یکی از برادران صاحب ترجمه آمده است که ملا اسدالله دارای پنج برادر بوده که همه اهل فضل و و کمال و خطیب بوده اند و عبارتند از ملا ابوالقاسم، ملا احمد، ملا حسین، ملا جواد، ملا عباسعلی.

ملا عباسعلی در میان برادران به علت تألیف کتابهایی چون علائم الظهور، هدیه الوالدین، فوائد الصلوات و... دارای شهرت بیشتری است.

جواهر الایمان فی اصول الدین و الاخلاق و المواعظ، فارسی، فی خمس مجلدات فی کل مجلد عدة مجال، للمولی أسد الله بن الملا علی محمد الجودتانی؟ (الجودتانی) [الجورتانی] الاصفهانی المتوفی حدود (۱۳۲۳) فهرس المجلدات (۱) فی التوحید عشرة مجالس (۲) النبوة عشرة مجالس (۳) الامامة (۴) العصمة (۵) المعاد، ذکره سبطه الحاج میرزا أبو الفضل الاصفهانی [شیخ ابوالفضل قدسی نجفی] المشتغل بالعلم فی النجف الاشرف، وقال أن المجلدات عندی باصفهان.^۲

به توفیق خداوند مجموعه ای از آثار ملا اسدالله گورتانی اصفهانی به دست این خاکسار افتاد که شامل سه اثر است. این آثار عبارتند از:

۱. اعلام اصفهان، سید مصلح الدین مهدوی (اصفهان، مرکز اصفهان شناسی و خانه ملل، ۱۳۸۶)، ج ۱، ص ۵۲۹.
۲. دانشمندان و بزرگان اصفهان، سید مصلح الدین مهدوی (اصفهان، نشر گلدسته، ۱۳۸۴)، ج ۱، ص ۲۵۹.
۳. دانشمندان و بزرگان اصفهان، سید مصلح الدین مهدوی (اصفهان، نشر گلدسته، ۱۳۸۴)، ج ۲، ص ۷۵۶.
۴. الذریعه، ج ۵، ص ۲۶۴.

آثار و تالیفات

۱. جواهر الایمان

این کتاب چنان که در مقدمه آمده مجموعه دویست مجلس مجالس منبر در موضوع توحید و نبوت و امامت و معاد و عصمت و اخلاق است. بخشی از این مجالس مخصوص روزهای رمضان و شعبان و محرم الحرام است و شماری از آن به مباحث گوناگون دینی اختصاص دارد. وی این کتاب را برای فرزندانش میرزا ابوالحسن و میرزا عبدالحسین نگاشته و آنچه از مطالعه و بررسی کتب تاریخ و روایات و تفاسیر و دیگر موضوعات اسلامی بدست آورده و برگزیده آن را که به حافظه سپرده و گلچینی از آن مطالب را در هنگام خطابه و سخنوری ایراد کرده به قلم خود جاری ساخته و یادداشت نموده است و برگزیده ای از برگزیده ترین مطالب در موضوع اصول دین است. نویسنده در آغاز این کتاب پنج وصیت به فرزندان خود نموده است که به قول قدما ارزش آن را دارد با قلم نوربرگونه حور نوشته شود.

ساختار این مجالس با قطعه شعری در پند و اندرز از شاعرانی چون نظامی، سعدی، حافظ، فردوسی و سپس در خور موضوع روز و یا موضوع دینی آیات و روایات انتخاب شده است و در ادامه مجلس حکایات آموزشی از بزرگان دین مطرح شده و نتیجه گیری و دریافتی از موضوع به مخاطب ارائه گردیده است. پایان مجلس نیز با ذکر مصائب اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام است. جواهر الایمان از آن دسته کتب مواعظ و منبر است که به جنبه اخلاقی و -تهذیب اخلاق و اصول دین می پردازد.

یادآوری می شود به برگهای پایانی و برخی اوراق این مجموعه نانویس مانده این مجموعه چند مجلس افزود اند که به خط دیگری است و از جمله مجلس موعظه ای را در تاریخ جمادی الثانی ۱۳۴۲ نگاشته اند و همچنین تقریری از مجالس مرحوم میرزا محمد کاظم عصار (سلطان المتألهین) و قصیده بلند اشرف الدین حسینی قزوینی (نسیم شمال) در موضوع تبری با مطلع «امروز فلان غرقه غرقاب بلا شد، به به چه بجا شد» قلمی شده است.

کتاب جواهر الایمان با این عبارات آغاز می شود «بسمله، هذا کتاب جواهر الایمان فی تألیفات عمدة الذاکرین اسد الله ابن علی محمد بن الجورتاتی رحمة الله علیه.

نیکوتر حمد و ثنا مر خالق را سزا است که صفات ذات او از شریک میراست. زیرا که به قدرت کامله خود جمیع مکونات عالم امکان را از کتم عدم به ید قدرت خود به عرصه وجود آورده و از کرم عمیم و نعم جسیم خود هر یک از احاد کاینات را به لباسی مزین فرموده به جهت معرفت و شناسائی خود جل جلاله.

كما ورد فی حدیث القدسی کنت کتزا محفیا فاحبیت ان اعرف فخلقت الخلق لکی اعرف و



افضل صلوات و اکمل تحیات مر رسولی راسزاست که افلاک به وجود ذی جود او برپاست. کما قال الله تعالی فی حقه و عزتی و جلالی: «لولاک لما خلقت الافلاک». پس از نیایش ایزد داور و دورود حضرت خیر البشر، مدح و ثنای سروری رارواست که رفعت شأنش مقام قاب قوسین او ادنی ست کما قال رسول الله (صلی الله علیه و آله) فی حقه: انا مدینه العلم و علی بابها.

۲. مواعظ النسوان

از آثار دیگر این نویسنده مواعظ النسوان است که درباره سلوک با زنان و نصیحت به آنان است. علامه تهرانی در الذریعه این اثر را این گونه شناسانده است: «مواعظ النسوان للمولی اسد الله بن المولی علی محمد، الجورتانی الاصفهانی، المتوفی حدود سنة ۱۳۲۳. فارسی مختصر ذکره حفیده المیرزا أبو الفضل.»^۱

نویسنده که خود با تجربه ای تلخ به ازدواج خود اشاره می کند و خود را از دست رفته این وادی می داند بر آن است تا تجربه ای از زندگی ناگوار خود را که در بیست و دو سالگی آغازیده به مطالعه دیگران بویژه زنان بگذارد. وی در این رساله که دارای یک مقدمه و ده باب است، و فصل هایی ناگفته از اخلاق زنان و شوهرداری و مدیریت خانواده را شرح داده است. وی این رساله را چنین آغازیده است:

«بسمله، الحمد لله رب العالمین والصلوة والسلام علی خیر خلقه محمد (ص) وآله الطیبین الطاهرین المعصومین ولعنة الله علی اعدائهم اجمعین الی قیام یوم الدین. اما بعد چنین گوید احقر عباد الله والذاکرین. اسد الله بن علی محمد بن محمد الاصفهانی الجورتانی که هنوز از عمر گرانیامیه بیشتر از بیست و دو سال نرفته بود که بر حسب اتفاق ناگهان یکی از بنات سادات عالی درجات قسمت گردید که کاش مرگ مراد ریافته بود از اوّل عمر مبتلا و گرفتار به صدمات عیال و اولاد شدم. ناملاعیات و سوء خلقهای بسیار دیدم. سوء ظنها و حرفهای بی شمار شنیدم و چنان تصور می کردم که در این دنیا به این بلا به جز من کسی گرفتار نبوده. غافل از اینکه بنی آدم از جنس یکدیگرند و این ناخوشی عموم دارد و تمام خلق به این بلا مبتلا می باشند. «زدست رفته نه تنها منم در این وادی».

تا این که روزی از روزها از حسن اتفاق در مدرسه الماسیه اصفهان در حجره یکی از دوستان در شرح سلوک نسوان صحبت به میان آمد، گفتم اعتقاد من این است که کسی بیش از من گرفتار نبوده و نخواهد بود. متبسم گردید و گفت چه می گوئی! بزرگان به این بلا مبتلا

۱. الذریعه، ج ۲۳، ص ۲۲۹.

بوده اند. رساله کوچک یکی از شاهزادگان در این باب مرقوم داشته است و از برای شاهزاده عباس قلی میرزا فرستاده. من او را گرفته ام مطالعه نمایم. بردار مطالعه کن و دلنگ مباحث چون رساله را برداشتم و مطالعه کردم، همت بر این گماشتم که بعضی از تفرقات در آن کرده و برخی از اخبارات صحیحه نقل نموده و آن را قرار دادم به مقدمه و ده باب و موسوم ساختم او را به مواعظ النسوان. اگر مطبوع طبع آقایان عظام و اخوان کرام افتد این خاکسار را از دعا فراموش نکنند و بعد از مرگ بطلب مغفرتی مرایاد نمایند».

۳. صیغ العقود

این کتاب از آثار موجود در این مجموعه رسائل است و چنان که از نامش پیداست در موضوع الفاظ عقود است و در آن به صیغه های نکاح و طلاق و بیع و رهن و ضمانت و مصالحه و شراکت و مساقات پرداخته است. از مباحث این کتاب؛ تعریف عقد، الفاظ عقد، شروط صحت عقد است. آموزش واژه های عقد ها همراه با تلفظ و مفاهیم آن از مطالب این کتاب است. نویسنده در مباحثی از این رساله، شیوه خواندن این عقود از طرف وکیل طرفین عقد را شرح داده است.

آغاز این اثر چنین است: «بسمله، بدان که علمای امامیه و فقهای اثنا عشریه می فرمایند احوط و قدر متیقن در عقد و نکاح است که ایجاب و قبول را به لفظ عربی جاری سازند. اگر هر کدام از طرفین قدرت به لفظ عربی داشته باشند و اگر قادر به لفظ عربی نباشند به هیچ وجه من الوجوه صیغه را به غیر لفظ عربی جاری سازند مثل فارسی یا نحو آن با شرایط مقرر عقد کفایت می کند و لازم نیست توکیل و شرط صحت.

اجرا صیغه نکاح چند است. اول اینکه هر دو بالغ باشند. دوم این که هر دو صاحب رشد باشند. زیرا که رشد در جعل مهر معتبر است. سوم اینکه هر دو عاقل باشند. چهارم اینکه تعیین زوج و زوجه بشود با اسم یا به وصف یا به اشاره به نحوی که از غیر خود ممتاز شوند.

پنجم این که هر دو قصد انشاء صیغه را بکنند. زیرا که اگر بدون قصد واقع بشود مثل هازل و نائم یا اینکه بدون انشاء زوجیت باشد مثل این که قصد اخبار کند صحیح نخواهد بود. زیرا که شرط صحت کل عقود قصد انشاء است. به این معنی که عاقد باید در حین اجراء صیغه قصد بکند حصول مدلول صیغه را مثل حصول آن انتقال یا نحو آن در عقود.

و عقد در اصطلاح علما صیغه است که ترتب اثر بر آن موقوف است. به صدور در لفظ از دو طرف و لو تقدیرا مثل این که یک نفر هم موجب باشد و هم قابل و ایقاع آن صیغه است که ترتب اثر بر آن کفایت می کند. به صدور لفظ از یک طرف و عقود شرعیه در کلمات علما مضبوط و محسوس است. بعضی از اجلاء علماء متقدمین آنها را بر بیست و نه ضبط نموده اند.

اما بعضی از علماء متاخرین اکتفا نموده اند به ضروریات آنها. اول عقد نکاح و متعه. دو، عقد بیع. سه، عقد صحیح. چهار، ضمانت، پنج، عقد رهن...
این وصایا در مقدمه کتاب جواهر الایمان به خط این عالم قلمی شده است:

متن پنج وصیت گورتانی اصفهانی

بعد از حمد و ثنای الهی و نعت حضرت رسالت پناهی و مدح حضرت رسالت پناهی و مدح حضرت ید اللہی صلوات زاکیات بر روح هریک از اولاد طاهرین آن بزرگوار باد که هریک زبینه مسند ولایت و هادی گمراهان امتند. و هوشتر کلامی که از بیان بندگان مخلص حضرت بیچون صادر شود، تحفه بارگاه اصحاب و عترت بیست که هر که چنگ بزند به عروۃ الوثقی محبت و ولایت اشان در دنیا و آخرت از جمیع آفات و بلیات محفوظ خواهد بود. کما قال رسول الله ﷺ: «مثل اهل بیتی کمثل سفینة نوح من ركب فیها نجی ومن تخلف عنها غرق».

اما بعد بر ضمایر منیره احبای روحانی و بر قلوب صافیہ اصدقای ایمانی مخفی و مستور نمائند که این احقر عباد الله خادم الذاکرین و الواعظین اسد الله بن علی محمد بن محمد بن محمد الاصفهانی الجورتانی اعطاهم الله طروسهم بأیمانهم فی یوم الجزا زحمات و مشقات کثیره کشیده ام در جمع اخبار و اشعار و حکایات متفرقه و احادیث مرویه در توحید و نبوت و امامت و عصمت و اخلاق ائمه طاهرین صلوات الله علیهم اجمعین مشتمل بر مواعظ و نصایح همچنان که در مجالس مستور و مرقوم است که بر جمیع ناقلان و مستمعان نافع باشد و از او مستفیض گردند بلکه سبب طلب مغفرت ایشان و مستوجب غفران ایزد منان باشد و چون اخبار عربیه را نقل کردن و بعد ترجمه کردن باعث بر طول کلام و کلال عوام می شد لهذا اکتفا نمودم به ترجمه آنها که جمیع اخوان مؤمنین از او بهره مند گردند و خوب است که سلسله ذاکرین و واعظین و این مجالس را ملکه نمایند و باور از بلند توحید و نبوت و امامت و عصمت و اخلاق محمد و آل محمد (صلی الله علیه و آله) را به مردم برسانند تا هر روز صحبتشان تازه و فیضشان بی اندازه باشد و باعث بر کلال و ملال مردم نشود بلکه عند الله و عند الرسول و عند الموت و عند الحساب سرفراز باشند و این کتاب مستطاب را مسما نمودم به جواهر الایمان و مجالس او را قرار دادم به دویست مجلس در توحید و نبوت و امامت و عصمت و اخلاق و آخر هر مجلس او را به ذکر مصائب حضرت سید الشهداء ارواحنا و روح العالمین له الفدا ختم کردم.

متوقع از ناظران لالی معانی و جوهریان بازار نکته دانی هستیم که بعین عنایت و انصاف نظر نمایند و به بی املائی و خطاهای من اعتراض نکنند بلکه دامن عفو بر بی املائی و خطاهای من در پوشند و در صدد اصلاح و معایب آن کوشند زیرا که انسان خالی از سهو و نسیان و بی از عیب و نقصان نیست. این در خور استعداد این بی بضاعت به قلم تحریر

آمده، کل ینفق مما عنده. التماس دیگر آنکه مؤلف و مستود اوراق را به دعای خیر یاد نمائید. اللهم احینا حیوة محمد و ذریتهم و امتنا مما تمهم و توفنا علی ملتهم و احشرنا فی زمرتهم ولا تفرق بیننا و بینهم طرفة عین فی الدنیا و الاخره و بعد نور دیدگان من میرزا ابوالحسن و میرزا عبدالحسین (حفظهما الله تعالی) قدر این کتاب را بدانید که شما را از زحمت تتبع در اخبار و مشقت مجالس آسوده کردم و این معنی را هم بدانید که هر که در کتب سیر می کند لابد مهمتر از آنچه به نظرش می آید، به قید کتابت در می آورد و هر کدام از آن نوشته ها بهتر است حفظ می کند و در وقت تکلم هر چه از محفوظات شیرین تر است ذکر می کند و من بعد از دیدن ذاکرین و واعظین کامل و سیر در اخبار آنچه در این کتاب جمع کرده ام زبده از زبده از زبده است.

پنج وصیت می کنم شما را:

وصیت اول: اینکه بر شما باد به زهد و ورع و تقوی و پرهیزکاری. زیرا که او حاضر و ناظر است افعال و اعمال شما را می بیند و اگر غیر فرموده او کردید، شما را در معرض عقوبت در می آورد.

یاری از وی جو مجواز زید و عمر هستی از وی جو مجواز بنگ و خمر
خویش را صافی کن از اوصاف خویش تا که بینی ذات پاک صاف خویش

وصیت دوم: اینکه هرگز عقب سر این و آن نروید و سخنان این یاوه گوینان را نشنوید و دست از تحصیل علم و معرفت برندارید. زیرا که: «العلم یعطی وان کان یعطی» در مبدء فیاض علی الاطلاق بخل بهم نمی رسد. علم عطا می شود اگر چه بوده باشد عطا شدن آن به تأخیر گفت پیغمبر که چون کوبی دری عاقبت زان در برون آید سری

غذای روح علم و معرفت است. ادراک معقولات علم و معرفت است. زندگانی جاودانی علم و معرفت است. اصول دین علم و معرفت است. فروع دین علم و معرفت است. روشنائی دل علم و معرفت است، تا بتوانید عمر خود را صرف تحصیل و معرفت بکنید و توحید و نبوت و امامت.

خود را به مرتبه یقین برسانید از روی تحقیق و یقین قلبی نه از روی تقلید زیرا که در اصول بی ثمر است در فروع است که تقلید فائده دارد. علم صاحب خود را ذلیل و محتاج نمی گذارد.

روزی اهل علم «من حیث لا یحتسب» است. کما ورد فی حدیث القدسی: «یا ارض لاترزقی عبادی الا بکد الیمین و عرق الجبین الا طالب العلم فاتی ضمتته».

کار خود گربه خدا باز گذاری حافظ ای بساعیش که با بخت خداده کنی

نور دیده گانم من، شما را به خدا سپرده ام و امر شما را به خدا واگذارده ام. شما هم امر خود را به خدا واگذارید و از او طلب یاری نمایید. زیرا که پناهی نیست به جز او و در صدد تحصیل علم و معرفت برآیید و خود را به ملکه کردن مجالس و ادارید و در مجالس و محافل و مساجد به آواز بلند توحید و نبوت و امامت و عصمت و اخلاق ائمه معصومین صلوات الله علیهم اجمعین را املا نمائید.

تا زمانی که مرگ شما را دریابد و الله علف صحرا خوردن و تحصیل علم و معرفت کردن بهتر است از پادشاهی شرق و غرب عالم زیرا که پادشاهی فانی می شود و علم و معرفت باقی می ماند. کل شیء هالک الا وجهه.

وصیت سوم: این که تا زمانی که تکلیف ندارید؛ یعنی مال دنیا ندارید و تا هنگامی که از رفاهیت نفقه اهل و عیال برنی آید زن اختیار نکنید که عذوبت بر شما حلال است زیرا که اگر بگیری از تحصیل علم و معرفت باز می مانید و دنیا و آخرت شما به باد فنا می رود و خدا ما را از برای تحصیل علم و معرفت خلق فرموده است نه چیز دیگر. قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: لِيَأْتِيَنَّ عَلِيَّ التَّاسِي زَمَانٍ لَا يَسْلَمُ لَدِي دِينَ دِيئُهُ إِلَّا مَنْ يَفْرُشَاهِقَ الْي شَاهِقَ وَمَنْ حَجْرَالِي حَجْر كَالثَّلْبِ بِأَشْبَالِهِ قَالُوا وَمَتَى ذَلِكَ الزَّمَانُ قَالَ إِذَا لَمْ يَنْلِ الْمَعِيشَةَ إِلَّا بِمَعَاصِي اللَّهِ فَعِنْدَ ذَلِكَ حَلَّتِ الْعَزُوبَةُ. قَالُوا يَا رَسُولَ اللَّهِ أَمَرْتَنَا بِالتَّزْوِيجِ قَالَ: بَلَى وَلَكِنْ إِذَا كَانَ ذَلِكَ الزَّمَانُ فَهَلَاكَ الرَّجُلُ عَلَى يَدِي أَبُوهُ فَإِنْ لَمْ يَكُنْ لَهُ ابْنٌ فَعَلَى يَدِي زَوْجَتَهُ وَوَلَدَهُ فَإِنْ لَمْ يَكُنْ لَهُ زَوْجَةٌ وَلَا وَلَدٌ فَعَلَى يَدِي قَرَابَتِهِ وَجِيرَانِهِ قَالُوا وَكَيْفَ ذَلِكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ قَالَ يَعِيرُونَهُ لَضِيقِ الْمَعِيشَةِ وَيَكْلِفُونَهُ مَا لَا يَطِيقُ حَتَّى يوردونه موارد المهلكه.

من آنچه شرط بلاغ است با تو می گویم تو خواه از سخنم پند بگیر و خواه ملال

وصیت چهارم: اینکه زمانی که به حول و قوه خداوند آسمان و زمین به برکت ائمه معصومین صلوات الله علیهم اجمعین از عهده نفقه برآمدید و خواستید زن اختیار بکنید تا بتوانید سعی بکنید و رفیق شفیق به دست بیاورید. دربند مال و جمال نباشید که هر که دربند مال و جمال

زن باشد، ندامت خواهد کشید و دیگر آن که زن جوان اختیار بکنید زیرا که عرفا گفته اند:

زن را چه سال چهارده از عمرش تمام	جان در راهش فدا کن حاصل نمای کام
از چارده چورخت ملاحظت کشد به بیست	یابد صفای گلشن و رعنائیش قوام
از بیست چون بسی کشدش دستگاه حسن	یاراست می توان شدنش باز هم غلام
بر عشر چهارمین چه نهد پای زندگی	بگریز از او که لذت صحبت شوم حرام
عمرش خدای نخواستہ پنجاه اگر شود	پنجاه پاره اش کن از او بر میار کام
بر شصت ساله ترک، وجوب است زندگی	وانگه بر او مدام بود لعن خاص و عام
هفتاد ساله زن بود ام الفساد دهر	یوحای؟ عصر خویش بود فتنه جو مدام
عمرش خدا نکرده اگر بیش از این شود	زن نیست افعی است و یا اژدهاست نام

تا بتوانید ملاقات بکنید با زنان جوان و صالحه که با همت و عفت باشند و از پدر و مادر علم فرا گرفته باشند و فرزند بسیار آورند و شوهر دوست باشند و از اهل خیانت نباشند. زیرا که همچو زنان به هر خانه ای که قدم بگذارند در آن خانه خیر و برکت بسیار می شود.

زن بد در سرای مرد نکو	هم در این عالم است دوزخ او
زینهار از قرین بد زهار	وقنارتنا عذاب النار

وصیت پنجم: این که:

آسایش دو گیتی تفسیر این دو حرف است	با دوستان مروت با دشمنان مدارا
------------------------------------	--------------------------------

کاری بکنید که در این دار تکلیف داخل منافقین نباشید که جزای منافق در درک اسفل است. این کلام بین خواص و عام معروف و مشهور است که مؤمن کسی است که آنچه از برای خود می خواهد باید همان را از برای برادر دینی خود بخواهد و الا داخل منافقین است و جزای منافق در درک اسفل است. خدا می فرماید: «إِنَّ الْمُنَافِقِينَ فِي الدَّرَكِ الْأَسْفَلِ مِنَ النَّارِ». [سوره

نساء: ۱۴۴]

حدیث معروف و مشهور که السعید سعید فی بطن امه الشقی شقی فی بطن امه. بعضی از



مفسرین بطن ام را به دنیا تفسیر کرده اند زیرا که دنیا دار تکلیف است. کسب اخلاق حمیده بکنید و صفات رزیه را از خود دور گردانید که سعادت و شقاوت در این دار تکلیف است. میزان سعادت و شقاوت دوستی و دشمنی با خانواده محمد و آل محمد است. هر که با ایشان دوست است، سعید و هر که با ایشان دشمن است، شقی و این اصل ایمان است.

حب نیکویان ایابغض بدان	عین ایمان است نزد سالکان
بغض نیکویان یا حب بدان	اصل کفرآید به نزد سالکان

التماس دعا دارم.



ہمارے کہیں ہو انرا
ناجہم کنان و نجاتہم

ہذا کتابہ جو ام الاممال
عن النبیات عمدۃ الالکرسن والوالد
محمد اسرا اللہ ابن علی محمد بن الجعفر
رحمۃ اللہ علیہ

صدر ہر کتب امیر شہاب
ذو القدر و شہادتہ کہ کتبہ انکس

بسم اللہ الرحمن الرحیم

فیقول ترجمہ و تفسیر فالقرآن لہنت کہ حضرت زات اوار شریک مبرست زبیر کہ بقدرت کا
 جمیع مکونات عالم انکا نرا از کم عدم بید قدرت فقہ بعصم و فقہ اوردہ و از کم عمیم و نعمت صمیم
 ہر یک از ان دکانیا ترا بلبالیہ منہیز فریم بحبت معرفت و شائے فقہ جل جلالہ گماورد فرماید
 القدر کنت کثرا محضت فاصبت الاعرف محضت الحق لک اعرف و افضل صلوات و اکمل
 محتیات مر لوطہ لہ لہنت کہ انک لوبقہ فریحہ او بر بارے گما فاقہ اتہ تم فقہ و غفرہ و درین
 لولاک لک محضت الافلاک ہی از تباہی ایزد و اور و نور و جہت فی اللہ مع و شائے
 لرو بر اروہت کہ رفعت شائے مقام قاب قوسین او اد فرست گما فاقہ رسول اسم فقہ
 انامدینت العم و غیر بارہا بعد از حمد و ثنار الہ و غنت حضرت رسالت ہماں و معہ حضرت بید اللہ
 صلوات رزقبات بر او ہے ہر یک از اولاد طہرین البر کو بار باد کہ ہر یک فریند منہ ولایت و تادوس
 گما مان امتنہ و خوشتر کل بیکم از بیانا منہ لانا محض حضرت پیغمبر صمد و فقہ محکم باگاہ
 اصحاب و غتر تبتہ کہ ہر یک جنسہ ہر نہ بعروۃ الوفقر محبت و ولایت این لا در دنیا و اخوہ از جمیع
 اقات و بیات محفوظ و اہر لہ گما فاقہ رسول اسم مثل اہل بیت کمل سفینتہ ذوق فریم کہ فریم
 دم



سنجه (۳۳) فهرست خودنوشت سلطان علی مافی

سلطانعلی مافی فرزند نیاز خان از بزرگان طایفه پایروند مشهور به مافی از نواحی لرستان است. سلطانعلی برخلاف مردان طایفه اش که از رجال حکومتی بوده اند به گفته خود: «میلی و ذوقی به دنیاداری و ریاست نداشته و همیشه طالب علم و تحصیل آخرت بوده هیچ وقت در تحصیل دنیا نکوشید و طریقی جز طریقی ائمه اثنی عشر نپوید...»

وی برادر میرزا حسینقلی خان نظام السلطنه مافی از رجال حکومتی قاجار است. از آثار سلطان علی مافی کتاب تذکره الآباء به تصحیح ایرج افشار و بهمن بیانی در مجموعه «دفتر تاریخ، دفتر چهارم» (تهران، بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار، ۱۳۸۹) به چاپ رسیده است. کتاب یاد شده شجره مانندی است درباره خاندان مافی و تاریخ این خاندان که در قزوین و اطراف آن سکونت دارند.

نسخه شماره ۱۴۰۵۲-۵ کتابخانه ملی با عنوان «مختلف» از آثار سلطان علی مافی از نویسندگان قرن چهاردهم است و چنان که در مقدمه آورده در آن «اندکی از بیشمار از صفات علمای ظاهر رسمی قیل و قالی را بعرض رسانده چون اوضاع محتل و پریشان و در این رساله نیز از هر بابی و مکانی بیان شد بناء علی هذا حقیر سراپا تقصیر سلطانعلی مافی کره بکش بتصنیف این رساله پرداخت و لهذا آن را مسمی بمختلف گردانید».

مافی یادداشتی که بر صفحه آغاز این نسخه نگاشته که گویای تاریخ ولادت وی در ۱۲۵۹ ق بوده است: «آنچه در کتب خانه کتابت شده تخمیناً پنجاه هزار بیت بود الی حال که هفتاد سال از عمرم گذشته مطابق سنه ۱۳۰۹ ق».

وی در کتاب مختلف نیز به تاریخ ولادت خود اشاره کرده است: «حقیر کثیرالتقصیر اگر چه از طایفه فیلی است در بدو عمر به تقلید آباء و اجداد مستقیم بود در سنّ شباب تخمیناً هجده سال بلکه کمتر از عمرم گذشته از تفضّل خداوند علی الأعلی و توجّه ائمه هدی بشریعت غزّای احمدی صلی الله علیه و آله گرایید و از تقالید و تکالیف فرایض و سنن حتّی المقدور معمول داشت. اکنون که سنه تسع ثمانین و مائتین بعد الألف است مدّت پنجاه سال از عمرم گذشته ...»

وی روی برگ دوم این اثر فهرست خودنوشت خود را چنین قلم زده است:
«کتبی که خودم بنای تألیف گزارده ام: تذکره الآباء، مختلف، تهذیب الاخلاق، معرفة

الائمة (عریبه)، پریشان، هزلیات، عبرة الناظرین، قواعد؟، عقائد المؤمنین، صراط الجنان، جامع اللغات، بحارالبکاء، افسانه فریدون، نسابه، موعظة المؤمنین، تحفة النساء». وی در ذیل این یادداشت فهرست دیگری از کتابهای موجودی خود نگاشته که شمار این کتابها چنین است:

«کتابی که الآن موجود دارم منابع ... مع شهر رجب المبارک سنه ۱۲۹۳:

عوامل و صرف خطی / شرح تصریف چاپی / شرح اربعین شیخ بهایی / رساله شیخ مرتضی چاپی / زاد المعاد چاپی / جامع الدعوات چاپی / شرح نصاب چاپی / خزان بهار خطی / قرآن بغلی چاپی / قرآن بزرگ خطی / مثنوی حاجی محمد کریم خان خطی / اکسیر الوجود، خطی / خواننامه مرحوم مجلسی، خطی / مختلف خطی، تألیف خودم / تذکره الآباء، تألیف خودم / جامع اللغات خطی، تألیف خودم / صراط الجنان، تألیف خودم / معرفة الأئمة تألیف خودم / افسانه فریدون، تصنیف خودم / جوهری چاپی / عین الحیات ناتمام، خطی / هدیه العوام خطی، محمد کریم خان، خط مرحوم آخوند علی اکبر / قصاید ناصر خسرو، خطی / تهذیب الاخلاق، تألیف خودم / شرح طنتجیه مرحوم آقا سید کاظم / شرح نصاب خطی / عیون اخبار الرضا، عربی / توحید، عربی، چاپی / ازهاق الباطل خطی / فرسنامه، خطی / هدایة العوام»

از این یادداشت برمی آید تألیف کتابهای یادشده رابه پایان رسانده و اصل آن موجود بوده است و از شمار آنها جز دو کتاب تذکره الآباء و مختلف تاکنون بدست نیامده است. یادی از او در کتاب برادرش «خاطرات و اسناد میرزا حسین قلی مافی» آمده است.

سنجه (۳۴) زندگی نامه خودنوشت فاضل خلخالی (درگذشته ۱۳۲۰ ش)

عالم و فقیه بزرگوار شیخ محمد قاسم خلخالی از آن دست بزرگانی است که تاکنون ناشناخته مانده است.

زندگی نامه نویسانی که به معرفی این شخصیت علمی پرداخته اند تنها از زندگی او به تألیف شرح دعاء السحر و تعلیقه بر کتاب واردات غیبی حبیب الدین گلپایگانی اشاره کرده اند و افزون بر آن چیزی از زندگی بدست نیامده است.^۱

۱. تراجم الرجال، سید احمد الحسینی (قم، دلیل ما، ۱۴۲۲ق / ۱۳۸۰ش) ج ۲ ص ۲۹۴.

سید حسن امین در مستدرکات اعیان آورده است: «الشیخ محمد قاسم الخلیالی الفاضل عالم جلیل ذوفضیلة و درایة فی العلوم الاسلامیة و توغل فی الفلسفة و العرفان من اعلام القرن الرابع عشر و کان سکن تهران و یدعی الفاضل له شرح دعاء السحرتمت سنة ۱۳۲۳»
همچنین تاریخ وفات ایشان را مرحوم دهخدا - یکی از دوستان و همکاران او در مدرسه حقوق و علوم سیاسی - در سال ۱۳۲۰ ش نوشته است:

«رضاخانلو؛ نام طایفه و ایلی در خلخال، از آن طایفه است میرزا قاسم رضاخانلو معروف به فاضل خلخالی، عالم و فقیه معاصر (متوفای ۱۳۲۰ هـ ش) که عده‌ای از رجال و علمای معاصر ایران از شاگردان وی می باشند»^۱

راوندی نیز در تاریخ اجتماعی ایران از وی به عنوان معلم فقه در مدرسه علوم سیاسی نام برده است.^۲ همچنین مرحوم باقر کاظمی (مهدب الدوله) در یادداشت‌های خود به تدریس فقه و صرف و نحو ایشان در آن مدرسه اشاره کرده است^۳

تصویری از فاضل خلخالی در کنار میرزا طاهرتنکابنی، ابوالحسن فروغی، علی اکبر دهخدا، فاضل تونی، علی اکبر سیاسی، عنایت الله سمیعی و... در کتاب چهره‌ها در تاریخچه نظام آموزش عالی حقوق و عدلیه نوین (دادگستری)^۴ دیده می شود.

در جنگ دستنویس فاضل خلخالی تاریخ زندگی و وفات ایشان را در دو سطر نوشته اند که بدین شرح است: «تولد قاسم فاضل خلخالی سال ۱۲۷۸ قمری هجری مطابق ۱۲۴۰ شمسی، وفات اول اردیبهشت سال ۱۳۲۰ شمسی مطابق ۲۳ ربیع الاولی ۱۳۶۰ قمری».

خوشبختانه از این عالم فقیه جنگ رسائل و یادداشت‌هایی ارزشمند به یادگار مانده است که در آن شماری از آثار تالیفی خود و چند رساله از دیگران را کتابت کرده است؛ رساله‌های موجود در این جنگ عبارتند از: دوازده امام از محمد بن علی ابن عربی، رساله فی السیر و السلوک از آقا محمد بیدآبادی اصفهانی، مجموعه ادعیه و اذکار. همچنین مطالب پراکنده با

۱. لغت نامه دهخدا، (تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۴۶ ش) حرف «ر» ص ۴۸۸.

۲. تاریخ اجتماعی ایران، مرتضی راوندی (تهران، امیرکبیر، ۱۳۵۴) ج ۴ بخش ۲ ص ۱۱۹۱.

۳. یادداشت‌هایی از زندگانی باقر کاظمی، به کوشش داوود کاظمی و منصوره اتحادیه (نظام مافی)، (تهران، نشر تاریخ ایران، ۱۳۹۰) جلد ۱، ص ۴۳.

۴. چهره‌ها در تاریخچه نظام آموزش عالی حقوق و عدلیه نوین (دادگستری)^۴، عباس مبارکیان (تهران، نشر پیدایش، ۱۳۷۷) ص ۵۵.

عنوان های لغز، تفأل، عمر بعضی انبیاء، وفات بعضی علماء، عشره مبشره و فقهاء الاربعه، تفصیل عوج بن عنق، تهذیب اخلاق، جفر، علم لیمیا، اجوبه مسئولات زندیق عن الصادق علیه السلام، تفسیر حروف ابجد، فی الذکر، در صفات شیخ، در مقامات عارف، در آداب سلوک مرید، ... در این مجموعه مسطور است. از میان آثار فاضل خلخالی این رسائل در جنگ آمده است: زندگینامه خودنوشت فاضل خلخالی، رساله معراجیه، رساله ای در موسیقی، جنگ شعر.

در این اثر مؤلف زندگینامه و آثار خود اعم از تالیف، شرح و حاشیه راتا پنجاه و یک سالگی که سال نوشتن این زندگینامه است بطور مختصر به رشته تحریر درآورده است. این نسخه به شماره ۶۵۰۶-۵ (برگ ۸۸-۹۲) در کتابخانه ملی نگهداری می شود. به نظر می رسد این متن ناتمام مانده است اما زندگی نامه کامل در بردارنده تحصیل و تدریس و اساتید و آثار علمی خود را بیان کرده است و چیزی از قلم نیفتاده است.

نگارنده سطور این سعادت را داشت که شماری از آثار ایشان را در کتابخانه مجلس فهرست نماید. تفصیل آن در جلد چهارم و شش فهرست کتابخانه مجلس آمده است. شماری از آثار او نیز در کتابخانه آیت الله مرعشی و کتابخانه ملی نگهداری می شود. فهرست آثار فاضل خلخالی بدین شرح است.

- تعلیقه بر کتاب واردات غیبی حبیب الدین گلپایگانی^۱

- ترجمه مطوّل

وی در مقدمه رساله علم نحو که به سال ۱۳۲۶ ق نگاشته به این اثر در چهار سال پیش - ۱۳۲۲ ق - اشاره کرده است.

- رساله در علم نحو؛ متعلق به سال دوّم و سیّم مدارس جدید

وی تالیف این کتاب را در اوّل جمادی الثانی سال ۱۳۲۶ آغازیده و در پانزدهم همان ماه به پایان برده است. کتابخانه مدرسه علمیه اسلامیّه مصدق تهران این رساله را ۲۰۸ صفحه در قطع جیبی منتشر کرده است.

- شرح دعای سحر

این رساله را در رمضان ۱۳۱۸ شروع کرده و تالیف آن را فقط در ایام ماه مبارک رمضان ادامه

۱. تراجم الرجال، سید احمد الحسینی (قم، دلیل ما، ۱۴۲۲ق/ ۱۳۸۰ش) ج ۲ ص ۲۹۴.



داده و در ۷ شوال ۱۳۲۳ به اتمام رسانده است. دونسخه از این اثر در کتابخانه مرعشی به شماره ۴۴۲۳ (فهرست کتابخانه مرعشی ج ۱۶ ص ۲۰-۲۳) و کتابخانه مجلس شماره ۱۶۶۵۷ (فهرست کتابخانه ج ۴۶ ص ۵۵) موجود است. تصحیح این کتاب، پایان نامه دکتری عرفان اسلامی دانشگاه آزاد اسلامی (واحد تهران) آقای عبدالمحمود منصوریانفر به در سال ۱۳۸۳ پذیرفته شده و تا کنون به طبع نرسیده است.

- شرح حدیث «کنت کنزاً مخفياً»

متن مختصری است در تفسیر حدیث قدسی «کنت کنزاً مخفياً فاحببت ان اعرف فخلقت الخلق لکی اعرف»، کیفیت ایجاد، بیان اختلافات مخلوقات، معرفت نفس و... که به گفته مؤلف آن‌ها را با استفاده از کلمات بزرگان و نیز تدقیقات و واردات غیبی خود به رشته تحریر درآورده است. در پایان رساله متن مختصری در بیان عوالم خلقت به نقل از عقاید الشیعه آورده شده است. این اثر در سال ۱۳۰۸ تحریر شده و نسخه آن به خط مؤلف در کتابخانه ملی (برگ ۱۵-۲۱ پ) موجود است.

- شرح خطب و مواعظ و روایات معصومین علیهم السلام

این کتاب جلد دوم مجموعه خطب و مواعظ و روایات معصومین علیهم السلام است و مطالب آن عبارتند از: فضایل و مناقب و احادیثی از حضرت فاطمه زهرا علیها السلام، احادیثی از امام محمد باقر علیه السلام، خطبه‌ها و مواعظ و نصایح و کلمات قصار امام جعفر صادق علیه السلام، احادیث و نصایح امام زمان عجل الله فرجه و مطالبی درباره وجود امام و عصر غیبت و زمان ظهور و مدعیان دروغین مانند محمد علی باب و حسین علی بهاء و آقاخان محلاتی. دو فصل پایانی این کتاب ویژه صحیفه و مصحف حضرت فاطمه سلام الله علیها است. نگارش این کتاب نا تمام مانده و تاریخ ترقیمه آن بدست نیامد ولی نویسنده در پایان خطب و مواعظ امام جعفر صادق علیه السلام به تالیف این مطالب در شب عید غدیر هجدهم ذی حجه ۱۳۲۵ اشاره کرده است. نسخه این اثر به خط مؤلف در کتابخانه مجلس به شماره ۱۶۶۵۹ موجود است.

- شرح خطب و کلمات قصار معصومین علیهم السلام

این اثر ویژه ترجمه و شرح کتاب تحف العقول اثر ابن شعبه حرّانی است و تالیف آن در شب بیستم ماه رمضان ۱۳۵۲ در تهران پایان یافته است. فاضل خلخالی این کتاب را پس از اتمام

شرح و تفسیر مواعظ و نصایح پیامبر گرامی اسلام و امیرالمؤمنین علیهما السلام به شرح و ترجمه کلمات قصار آنکه دیگر پرداخته است. نسخه این اثر به خط مؤلف در کتابخانه مجلس به شماره ۱۶۶۵۲ موجود است.

- شرح خطبه توحیدیه امیرالمؤمنین علیه السلام

شرح فلسفی و عرفانی بر خطبه توحیدیه امیرالمؤمنین علیه السلام که به قسم ساده و روان نوشته شده است. این شرح با عنوان «اشراق» نگارش یافته و در چهارده اشراق سامان یافته است. در این شرح به آثار فلسفی حاجی سبزواری و اسفار و حکمة الاشراق سهروردی استناد شده است. نسخه این اثر به شماره ۱۶۶۵۶ (برگ ۱ پ-۷۱ ر) در کتابخانه مجلس ثبت شده است.

- ترجمه حدیث اربعمائه امیرالمؤمنین علیه السلام

این اثر از سلسله شرح خطبه ها و نصایح معصومین علیهم السلام است در این خطبه مشهور مباحث بهداشتی و اخلاقی و و آداب زندگی آمده است. تاریخ نگارش این شرح روز چهاردهم ربیع الاول ۱۳۵۲ است. نسخه خط مؤلف این اثر در کتابخانه مجلس به شماره ۱۶۶۵۶ (برگ ۷۱ ر-۱۰۲ ر) نگهداری می شود.

- ترجمه خطبه امیرالمؤمنین علیه السلام

این خطبه درباره ایمان و ارواح و حقیقت اسلام و نبوت است و فاضل خلخالی آن را در هجدهم رمضان ۱۳۵۲ به پایان برده است. نسخه این اثر به شماره ۱۶۶۵۶ (برگ ۷۱ پ-۱۰۶ ر) در کتابخانه مجلس موجود است.

- رساله معراجیه

رساله ای است در بیان واقعه معراج پیامبر (ص) و شرح و تفسیر آیه معراج که با استفاده از اقوال بزرگان دین نوشته شده است. نسخه این اثر در کتابخانه ملی به شماره ۶۵۰۶-۵ (۲۱-۴۵ پ) موجود است.

- جنگ شعر

مجموعه اشعاری است عرفانی از شاعران معروف از جمله خاقانی، قانانی، جوهری، محتشم، شمس اردبیلی، اوحدی، جامی، وفایی شوشتری، حافظ، شیخ بهایی، میرزا صادق، ناصر خسرو. این مجموعه نیز در جنگ رسائل و آثار فاضل خلخالی به شماره ۶۵۰۶-۵ (برگ



۱۶۷ پ - ۲۱۵ و ۲۳۹ - ۲۷۴) در کتابخانه ملی موجود است.

- رساله در علم موسیقی

رساله بسیار مختصری است در علم موسیقی مشتمل بر چهارده باب. فاضل خلخالی این رساله را در قزوین در مدرسه صالحیه به سال ۱۳۱۱ ق تألیف کرده است. نسخه این اثر نیز در جنگ رسائل و آثار فاضل خلخالی به شماره ۶۵۰۶-۵ (برگ ۱۰۵-۱۰۹ پ) در کتابخانه ملی موجود است.

- زندگینامه خودنوشت فاضل خلخالی (همین اثر).

در این اثر مؤلف زندگینامه و آثار خود اعم از تألیف، شرح و حاشیه راتا پنجاه و یک سالگی که سال نوشتن این زندگینامه است بطور مختصر به رشته تحریر درآورده است. این نسخه به شماره ۶۵۰۶-۵ (برگ ۸۸-۹۲) در کتابخانه ملی نگهداری می شود.

زندگی نامه خودنوشت فاضل خلخالی

الحمد لله والصلاة على رسول الله والسلام على اله آل الله، واللغة على أعدائهم اعداء الله، اما بعد می گوید:

این عبد آثم؛ قاسم مدعوبه فاضل خلخالی ابن حاج رستم بن مشهدی بابا بن رضاخان بن حسن خان بن سیف الله بن عبد الله الخلخالی الکیوی که مؤلف این مجموعه انیقه لطیفه شریفه بین الدفتین است، که این اقل عباد الله، در سنه هزار و دو بیست و هفتاد و هشت [۱۲۷۸] در قصبه گیوی متولد شدم و در حین تحریر احوال خودم، پنجاه و یک سال از مرحله زندگانی پیموده بودم، امید به مغفرت خدا داشته که قلم عفوبر جرایم اعمالم کشیده، ابواب سعادت در آتیه بر این عاصی باز نماید با توفیق کامل که شاید از شیعیان خالص ائمه علیهم السلام شمرده گشته و به قدر استطاعت جاهلان امت مرحومه را به شاهراه هدایت و ولایت و دلالت نمایم؛

از خدا خواهیم توفیق ادب بی ادب محروم ماند از لطف رب

غرض در سن هفت سالگی در مکتب ملا غلام حسین مرحوم مشغول قرائت کلام الله مجید و قدری کتب فارسیه گشته و بعد از ده سالگی در مکتب برادرزاده اش ملا عبد محمد به تعلّم فارسی کامل از قبیل ابواب الجنان و تاریخ معجم و رساله آقا سید حسین مرحوم مجتهد

کوهکری و تعلّم سایر احکام شرعیه و احادیث نبویه و اخبار ائمه اطهار علیهم السلام مشغول گشته تا پانزده سالگی احکام عبادات و معاملات که ملازمه تقلید بود و قریب هزار خبر از احوالات انبیاء و چهارده معصوم علیهم السلام و در اخلاق نفسانیه حفظ نمودم اعی مضمونش رانه الفاظش را، بعد تا سن بیست سالگی مشغول کسب گشته در دگه بزازی برای وسعت امر معیشت و در سن بیست و یک سالگی دفعه شوق عربی خواندن در دلم جاگیر شد.

به مرتبه ای که خودداری نمی توانستم بکنم، هر روز دوسه ساعتی مشغول عربی خواندن شدم ولی پنهان از پدر و پسر عموی خودم تا در یک سال و نیم به قرائت صمدیه شیخ بهائی مرحوم رسیدم. آن وقت پدرم مطلع گشته تحریص و ترغیب در خواندن می نمودند ولی پسر عمویم حاجی عزیز مرحوم بنا به مقتضای جوانی که داشت، به توهم این که شاید بنده درس خواندم، ملا شدم، تفوق بر او پیدا کنم، که ایشان به حسب سن از این اقل بزرگتر بودند، مانع از درس من می شدند ولی به حسب ظاهر، بنا به احترام پدرم منع نمی توانست بکند. از آن طرف مراد تمام روز در دکان بزازی نگه می داشت که وقت تعلّم نداشته باشم. از آنجا که توفیق خدا رفیق بود، بنده گاه قبل از طلوع آفتاب و گاه شب به ملا عبد محمد یک ماهانه جزئی می دادم. ایشان حاضر بودند به تدریس من. چون می دیدند شوق زیاد دارم. رضاء لله مضایقه در تدریس فوری نمی کردند - رحمة الله علیه - تا وقتی عمّه ام ملتفت منع حاجی عزیز مرحوم شد، به او گفت: تو مانع نشوزی را که خوابی در خصوص درس خواندن قاسم دیده ام، یقین دارم که باید بهره ای و حظی از علوم آل محمد (صلی الله علیه و آله) داشته باشد!

پسر عمویم پرسید هان چیست آن خواب؟ عمّه مرحومه گفت: «آن سال که مادر قاسم بر او حمل می خواست پیدا کند، در رؤیاء دیدم که من و مادر او زیبا بیگم وارد باغ مشجر پرفوا که گوناگون گشتیم. همه جا تفرج کنان رسیدیم به پای قصر رفیع منور که مثل یک پارچه در سفید بود و از جلو آن قصر نهی سفید مثل شیر جاری بود. من خواستم از آن آب بخورم مستحفظین ممانعت کردند ولی مادر فلانکس سه و چهار غرفه هردو دست پر کرد خورد و در همین سال مادر او حامله به ایشان گشت تا متولد شد، حالا که مشغول درس است من می دانم که انعقاد نطفه او از آن منبع آب حیات جاودانی است لابد باید عالم گردد زیرا تعبیر آب شبیه به شیر سفید، علم است.»

بعد از آن حاجی عزیز از تحصیل من مانع نگشت. چون جوان مقدّسی، بنده خدا بود روز به روز اسباب تحصیل مرا مهیّا می کرد رحمة الله علیه.

بعد کتاب صمدیه را در خدمت امیر آقای مرحوم با کمال دقت خواندم به مرتبه ای که بعد از اتمام، طلاب بنده را از کثرت احاطه به مطالب نحو «امّ النحو» می خواندند. بعد به گمان اینکه گیوی قصبه ایست و اردبیل شهر، لابد آنجا عالمی بهتر از اینجا پیدا می شود، سفر اردبیل اختیار نمود. بعد از تفحص تام خدمت ملا رضا خلخالی در مدرسه حاج محمد حسن مشغول تعلّم سیوطی گشتم. بعد از فصل زمستان دیدم در اردبیل نحوگو مثل امیر آقای خلخالی که در گیوی بود، نیست به خلخال مراجعت نموده شرح جامی و حاشیه ملا عبدالله را که در منطق است خدمت ایشان خواندم.

چون خانه خودمان زیادتی شغل خانه مانع از تحصیل کماهو حقّه بود باز عود به اردبیل نموده، باب رابع مغنی اللیب و شرح شمسیه را در خدمت ملا رضا خواندم. باز دیدم درس آقا میر آقا مفیدتر است، مراجعت به خلخال کردم. مطوّل و معالم و عبادات شرح لمعه را در خدمت ایشان خواندم. این دفعه اشتغال به امورات خانه و کسب زیادتر مانع امر گشت، سیّم بار به اردبیل برگشتم خدمت حاج میر صالح و آقا میرزا محمد علی و حاجی میرزا جواد که علماء معروف اردبیل بودند، شرح لمعه و قوانین می خواندم ولی آن طور که بنده طالب بودم درس آنها مفید نیفتاد تا سید مرتضی خلخالی و آقا میرزا محمد علی بروجردی وارد اردبیل شدند. جلد ثانی قوانین از میرزا محمد علی بروجردی و جلد اوّل را از سید مرتضی مرحوم در یک سال تعلّم نموده، تمام کردم. ولی خودم اکثر روز را مشغول مباحثه صرف و نحو و تدریس مطول بودم.

بعد طهارت و رسائل شیخ مرتضی الانصاری را تا مباحث اغسال و استصحاب در خدمت سید مرتضی خلخالی که تلمیذ آقا سید حسین کوهکمری و ایشان شاگرد شیخ مرحوم بودند، خواندم.

بعد خیال سفر طهران در دماغ جاگیر شد. بعد از پنج و شش سال تمام اقامات متعدّدّه بنده در اردبیل در سنه هزار و سیصد و پنج از اردبیل حرکت نمودم. در سر راه یک شب در خانه خودمان مانده از راه زنجان در ماه شعبان ۱۳۰۵ وارد قزوین گشته در مدرسه حاجی ملا صالح مرحوم مأوی گزیدم. مدت یک سال پیش ملا آقای خوئینی فقه خارج و در خدمت شیخ عبدالمحسین الموتی اصول خارج و پیش ملا علی اکبر، اغسال طهارت شیخ مرتضی (ره) و

رسائلش خواندم. بعد در سال هزار و سیصد و شش عازم طهران گشته و در مدرسه مادر شاه قدیم منزل اختیار نمودم.

در خدمت آقا سید عبدالکریم لاهیجانی مکاسب شیخ انصاری و تعادل و تراجیح رسائلش [را] خواندم و در خدمت حاجی میرزا حسن آشتیانی دوباره اشتغال به درس رسائل شیخ از اول تا آخر شدم. زیرا در میان تلامذه شیخ مرحوم، کسی مثل ایشان تقریرات شیخ را حافظ و دانا نبود.

و مدت پنج سال هم در خدمتشان مشغول مباحثه فقه و اصول خارج بودم و اما معقولات را مدت هفت سال در خدمت دو حکیم بی بدیل آقا میرزا حسین سبزواری که از شاگردان حاج ملا هادی سبزواری بود و آقا میرزا ابوالحسن جلوه که از تلمیذ آخوند ملا علی نوری بود، اولی مشربی اشراقی و دومی مشائی بود.

تفصیل این اجمال آنکه خلاصه الحساب و مفتاح الحساب و فارسی هیئت و سی فصل و بیست باب نجوم و شرح چغمینی و شرح تذکره خواجه نصیر مرحوم و تحریر اقلیدس و اگر ثاوزوسیوس در هندسه و جلدین شوارق و شرح اشارات خواجه و طبیعی شفاء و قانون شیخ الرئیس و از فص نوحی شرح فصوص تا آخر، و امور عامه اسفار و سفر النفس و الهیات اسفار در خدمت آمیرزا حسین مرحوم تلمذ نمودم؛ الحق حکیمی بود محلی به صفات حسنه و محلی از رذائل و صاحب نفس قدسیه و منقطع از علائق دنیوی و بی اعتنا به تمام امراء و وزرا حتی به سلاطین و عصر خودش و چند جزء و از آخر طبیعیات شفاء و تمام الهیاتش و جواهر و اعراض اسفار و قبسات میرداماد مرحوم و حکمة الاشراق در خدمت جلوه مرحوم خواندم؛ الحق در حکمت مشاء سیما در کلمات شیخ الرئیس نظیر او از متأخرین نیامده است و خودش منقطع و زاویه نشین مدرسه صدر بودند و در کنج عزلت گنج عزت یافته بودند و از مردان عالم شمرده می شد از حیث تدبیر و دانش (رحمة الله علیهما و جعل الله فی الجنة مثوالمما و طاب الله ثراهما) و از اول شرح فصوص تافص نوحی و تمهید القواعد حسام الدین ابن الخ ترک [ابن ترک] و نصوص صدرالدین [قونوی] تلمیذ شیخ محی الدین عربی در خدمت عارف ربانی آقامیرزا هاشم رشتی (زاد الله ایام افاضاته) خواندم، ایشان شاگرد آقا میرزا محمد رضای قمشه ای هستند.

الحق الآن در ایران مثل ایشان مطالب عرفان را کسی نیست که تحقیق نموده تدریس نماید و در این فن منحصر بفرد است و خودش هم متخلق به اخلاق حسنه و عالم با عمل است

احسن الله جزاه.

اما مصنفات حقير؛ آن زمان که در اردبیل مشغول مباحثه ادبيات و منطق بودم، بعضی حواشی به عوامل ملا محسن و سيوطی و حاشیه ملا عبدالله و مطول نوشتن و يك رساله در تطبيق مراتب عشق مجازی با مقامات عشق حقیقی در شرح حدیث اول مصباح الشریعة - قریب دو هزار بیت می شود - تألیف نمودم و بعد از آن رساله ای در معراج حضرت خاتم الانبیاء صلی الله علیه و آله - که در این مجموعه نوشته شده است - تألیف گشت با خود این مجموعه که تالی مرتبه کشکول و مخلاة شیخ بهائی مرحوم است از حیث جامعیت تحقیقات علماء که اقل از عبارات صد نفر از علماء و حکماء و شعراء در اینجا مندرج است، علاوه بر آنها آنچه به ذهن فاتر آمده یا از اساتید شنیده و یا نکات ذوقی و یا دقایق حکمی و عرفانی فهمیده با خطبات فارسی که محتوی مطالب بدیعی و غیره است، تألیف شد و در سنّ چهل سالگی شروع به شرح دعاء سحر معروف «اللهم انی أسئلك من بهائک الخ» در ماه مبارک رمضان شد ولی به سبب عوائق دوران و اختلال امر معیشت و پریشانی حواس در شش «ماه مبارک» تمام شد که اگر تحقیق زمان تألیفش بشود زیاده از شش و هفت ماه طول نکشیده است که مطالبش تمام در مسائل حکمت و عرفان است که به آن طور که حکماء و عرفاء در اسماء الله تدقیق نموده اند، این فقیر قلیل البضاعة اقتناء و اقتداء به آنها نموده در آن شرح مطالب متفق علیه حکماء اشراق و مشائین و عرفاء که در مسئله که متعلق به آن جماعت بود بیان کرده علاوه بر آن، بنا به حدیث «من حفظ اربعین حدیث الخ» در شرح مشیته چهل حدیث از اصول کافی و توحید صدوق (ره) نقل نموده، شرح کردم، الحق جامع مسائل مبدء و معاد و قضاء و قدر است، قریب ده هزار بیت تمام، رساله کلماتش معدود می شود، لله الحمد و المنة، که علامت تذکار این عبد عاصی خواهد شد وقتی که طالبان هدایت مطالعه کنند، امید است که به دعای خیر یادم نمایند و ترحیم کنند.

و دیگر دو رساله صرف به زبان فارسی یکی موجز و دیگری مقتصد؛ اولی مسمی به اجمال الصرف و دومی به تکملة الصّرف و دو رساله نحو؛ اولی مسمی به نمونه نحو و دومی به اقتصاد آن هم به زبان فارسی و در مدت یک ماه در سنه ۱۳۲۶ برای طلاب مبتدی و متوسط تصنیف کردم، ولی رساله دوم صرف با آن مختصری جامع تمام قواعد قیاسی صرف است و رساله اقتصاد نحو بعینه شرح صمدیه است با بیان و دلیل هر مسئله و اضافه تحقیقات داعی و حالا که سنه

۱۳۲۷ است، در مدرسه سیاسی علوم فقه آن مدرسه را تدریس می نمایم و در عدلیه اعظم مشغول نوشتن و تألیف قانون عدلیه و تطبیق آن با احکام شریعت مطهره هستم و در سنه ۱۳۲۴ تلخیص مفتاح را که متن مطول است از اول تا آخر ترجمه فارسی نموده هر مسئله اش را با دلیل متقن و برهان محکم بیان نموده و آن عبارات سخت و مغلق سکاکی را به بیان عذب و عبارات ساده منصفه ظهور آوردم که بعد از خواندن او دیگر طلبه در فهم قواعد فصاحت و بلاغت و محسنات آنها اشکال پیدا نمی کند و فهم مطول آسان می گردد.»



۷۹
۸۸
بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله والصلوة على رسول الله وسلام على آل الله وتلقاه على عبد الله
اما بعد فيكتبه ابن عبد الله قاسم بن حاج رستم بن محمد بن بابان صفوان
بن حسن فان بن سيف الله بن عبد الله الخلی اکیور که در سوره که کوف
این مجموعه نطقه لطیفه نطقه بنی که نطقه است که این قریه الله در حسن
انفت در سینه از روایت و انفت داشت در قصبه کیور متولد شد در سن
تخریر حول خودم پنجاه و یک سال از مرطه زنه کانی پیورده بودم امید مغفرت
خدا داشته که قدم مغفور بر جرم اعمال کشیده ابواب سعادت در آیت سر سغای
باز نماید با توفیق که در آیت بیان خاص شده هر علم اسلام شمرده گشته
و بقدر استطاعت جملدن است بر حومه را با راه است و در است
و در است نام از خدا خواهم توفیق ادب بآداب محروم مانده از لطیف
غرض در سن هفت سالگی در مکتب علم غلام حسن محروم مغفرت قرأت
کلام الله مجید و قرائت فارسیه گشته و بعد از ده سالگی در مکتب برادرزاده از
به تعلم فارس کلام از قیصر ابواب بجهان و تاریخ نجوم در ساله اقا سید محمد
کو کمر و تعلم سایر احکام شرعی و حدیث نبویه و سایر آیه طهارت اسلام گشته



سنجه (۳۵) فهرست خودنوشت علامه وحید بهبهانی

فهرست خودنوشت علامه محمد باقر بن محمد اکمل بهبهانی (۱۲۰۵ق) دربردارنده سیاهه بیش از چهل و پنج اثر از تألیفات و مصنفات ایشان است. این فهرست در دو صفحه تحریر شده و کاتب آن از نسخه قلمی ملا محمد حسین سرایانی تونی - از شاگردان وحید بهبهانی - استنساخ نموده است. نسخه عکسی این فهرست در مؤسسه علامه وحید بهبهانی در قم به شماره ۱۴۴ موجود است.

نسخه دیگری از این فهرست که به عربی برگردانده شده در کتابخانه مرکز دایرة المعارف بزرگ اسلامی به شماره ۱۳۳/۲ (فهرست نسخه های خطی مرکز دایرة المعارف بزرگ اسلامی ج ۱ ص ۱۹۲ و ۲۸۹) موجود است. این اثر که ترجمه رساله نخست است به سال ۱۱۹۶ق تحریر شده و در آن چهل و پنج رساله از آثار وحید آمده است. در فهرست دوم این آثار افزوده شده است که در فهرست نخست نامی از آنها نیست:

- رساله در احکام قروح و جروح
- نقد و انتخاب جوابات مسایل بسیار از آخوند مولانا محمد باقر مجلسی (رحمة الله علیه) [در تکمله اشاره شده است]
- رساله فی حکم عبادة الجاهل من صحّة أو فساد

فهرست دیگری نیز در دو صفحه اول نسخه حاشیه شرح ارشاد الأذهان وحید بهبهانی نسخه کتابخانه دانشکده الهیات و معارف اسلامی مشهد به شماره ۱۶۳۲ (فهرست کتابخانه دانشکده الهیات و معارف اسلامی، ج ۳، ص ۷۵۳-۷۵۴) به خط حاج حسن - یکی از شاگردان وحید بهبهانی - کتابت شده است. علامه وحید بهبهانی به خط خود شماری از آثارش را ثبت کرده و به کاتب نیز اجازه روایت داده است.

تفصیل این فهرست در مجموعه مقالات کنگره علامه وحید بهبهانی به قلم نگارنده سطور آمده است.

در این مجال به علت منحصر به فرد بودن فهرست پیش رو که تنها عکسی از آن در مؤسسه وحید بهبهانی قم موجود است و اصل آن به علل حوادث از میان رفته است به تجدید نشر آن اقدام شد.



درباره این فهرست:

چنانکه در زندگینامه ملاحسین سرایانی تونی خراسانی خواهد آمد، ایشان سه سال و چند ماه در محضر وحید بهبهانی کسب فیض کرده و در کتابت آثار استاد خود نقش بسزایی داشته است. در این فهرست نیز، کاتب نسخه علاوه بر شهرت سرایانی خراسانی به شهرت «باقفی» ایشان نیز اشاره کرده است. در اثر دیگر مولف؛ کتاب شجره طوبی نیز شهرت باقفی با نام این نویسنده همراه است.

جزاین نسخه صاحب الذریعه به نسخه خط وحید بهبهانی در کتابخانه سید محمد علی سبزواری در نجف دیده و گزارشی از آن را شرح داده است:

«...وله تصانیف جلیلة و رسائل كثيرة مملأها بنظراته العميقة وأفكاره العالیة يقول بعض مترجمیه أنّها قرب ستین رسالة و کتاب آئی رأیت فهرسها بحظّه الشریف علی ظهر بعض تصانیفه التی رأيتها فی مكتبة السيد محمد علی سبزواری؛ کتبه بالفارسیّة هكذا: «تفصیل مؤلفات این اقل اذل محمد باقر بن محمد اکمل عفی عنهما بمحمد وآله» ثمّ شرع فی تعدادها حتّی أنّها إلى أربعة وأربعین کتاباً و رسالة مع تعیین مواضعها و فهرس فصول بعضها، وقد ادرجناها فی محالها من (الذریعة) ولعله آلف غیرها بعد ذالک حتّی قاربت مؤلفاته إلى الستین فمنها شرح المفاتیح...»

در این فهرست جمعاً چهل و پنج رساله از تألیفات وحید بهبهانی آمده است، در پایان سرایانی شماری از آثار را با عنوان «رسائل مفصلة آنچه موجود نیست» افزوده است و شرحی از چگونگی تألیف و تدوین این آثار بدست داده است.

تاریخ دقیق نگارش این فهرست بدست نیامد ولی در نسخه مرکز دایرة المعارف بزرگ اسلامی به شماره ۱۳۳/۲ برمی آید تاریخ تحریر آن پیش از سال ۱۱۹۶ ق [ده سال پیش از وفات] وحید بهبهانی است.

زندگی نامه ملامحمد حسین سرایانی^۱:

این عالم فقیه چنان که در مقدمه «اجوبة المسائل» نوشته سه سال و چند ماه نزد وحید بهبهانی درس خوانده است. یکی از آثار او اجوبة المسائل؛ مجموعه استفتائات استادش وحید

۱. یادآوری می شود علامه طهرانی در الکرام البررة نام و زندگی نامه او را با سه عنوان، محمد یحیی بن عبد الوهاب سرایانی تونی (ج ۳، ص ۶۳۲)، ملاحسین باقفی (ج ۱، ص ۳۶۴)، محمد حسین بن عبد الوهاب سرایانی تونی خراسانی (ج ۱، ص ۴۰۰) آورده است.

به‌بهانی است که آن را از دستخط استاد نگاشته و به ابواب و فصول جداگانه تنظیم کرده است و همچنین پس از بازگشت به وطن خود مسائلی را از استادش استفتاء نموده و برآن مجموعه افزوده است. سرایانی در مقدمه کتاب آورده است:

«الحمد لله الذی ارسل لعباده الشرایع... و بعد بر ضمیر منیر هوشمندان با بصیرت و خاطر عاطر سالکان طریق آخرت محفی نماید که این اقل الطلبة و اذل الخلیقة بنده سراپا عیب و شین ابن ملا عبدالوهاب محمد المدعو بالحسین السرایانی التونی الخراسانی چون که به زیارات عتبات مشرف گردیدم و در جوار خامس آل عبا و نور دیده رسول خدا و نور حدیقه علی مرتضی و سرور سینه فاطمه زهرا ابی عبد الله الحسین سید الشهداء - صلوات الله علیه - مدت سه عام و چند ماه بسر بردم و در آن ایام و اوقات شریف در خدمت سامی رفعت عالیجناب مقدس القاب علامة العلمائی مجتهد الزمانی فرید دهره و وحید عصره مولوی استادی صاحب الافضل الاعلم الأعزّ الأجل مولانا محمد باقر بن محمد اکمل تلمذ مینمودم و در آن دوران سعادت بنیان حقیر استفتائی که از آن ملاذی ام میگردم و از اطراف و جوانب نیز طوامیر کثیره متعدده مشتمله بر سؤالات بسیار از احکام حلال و حرام و غیره بخدمت آن مولوی ام دام‌ظله‌العالی می آوردند و استفتای آنها میگردند آن ملاذی ام همگی آنها را بخط شریف خود جواب می نوشتند چون حقیر این معنی را مشاهده نموده فرصت غنیمت شمرده طوامیر مزبوره را بعد از آن که عالی جناب جواب آنها را می نوشتند، أخذ می نموده و استتساخ میکرد و بدون آنکه ترتیبی در آن قرار دهد و آن را مبوّب و مفصل گرداند مثل کتب فقها لهذا اگر کسی میخواست که مسئله از آنها تحقیق کند، باید تفصیح اوراق نماید، مجموع آن را ملاحظه نماید تا شاید مطلع بر مطلوب شود و با این وسیله کمال تعسر و تمام اشکال داشت تحقیق مطالب و مقاصد از آن، تا آن که از عالیجناب استادی ام معظمّ الیه این ذلیل را به ترتیب و تبویب آن مأمور ساختند و مخاطب فرمودند. حقیر با وجود عدم قابلیت سرافراز به این خدمت را از سعادت دنیا و آخرت دانسته نظر به منطوق المأمور معذور امثال این فرمان لازم الادعای را لازم بلکه واجب و متحتّم دانست. بقدر مقدور بمضمون المیسور لایسقط بالمعسور و ما لایدرک کله لا یدرک کله و اذا امرتکم بشیء فأتوا منه ما استطعتم شروع در مقصود نمود امید و رجاء آن که قیاض عالم توفیق رفیق نماید... آن را مسمی بأجوبة المسائل نمود ..»

علامه وحید به‌بهانی در پایان اجوبة المسائل این اثر را تأیید نموده که بدین شرح است:

«صورة خط استادی دام ظلّه العالی: این فتاوی از اجتهادات این فقیر و ترجیحات این فقیر کثیر التقصیر اذل اقل محمد باقر بن محمد اکمل است اگر در آنها ناخوشی باشد باکی نیست چه مدعا ظاهر است و برمتأمل غیر غافل و امید است از جناب ربّ الأرباب مالک الرقاب که مؤمنان و مؤمنات منتفع شوند بنفع بالغ و کامل و حقیر کثیر التقصیر نیز منتفع شود به انتفاع ایشان بلکه مطلقاً چه از دریاهاى غیر متناهیة رحمت و اسعہ بالغه کامله عامه شامله آن جناب هیچ نقص نمی شود و آنچه ربّ رؤوف عطوف برأفت غیر متناهیة و عطوفت خارجه از حد عد و حصر بیرون است و کرمش بی نهایت چنانکه نعمتش نیز بی نهایت است. امید که بفضل و کرم و عطوفت و رأفت و احسان و شفقت خود معامله نماید آمین ربّ العالمین.

سرایانی در حوالی سالهای ۱۳۸۲-۱۳۸۳ در عتبات عالیات به تحصیل اشتغال داشته و در ترقیمه رساله رؤیت هلال نسخه کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی شماره ۸۵۶۵/۶ (فهرست نسخ خطی کتابخانه آیت الله مرعشی ج ۲۲ ص ۱۴۴-۱۴۷) چنین نوشته است:

«تمت الرسالة عند ارتفاع النهار يوم الثلاثاء احدى وعشر ربيع الاول في سنة ۱۱۸۲ في مشهد مقدس خامس آل عبا ابی عبد الله الحسين عليه و على جدّه و آبائه و امّه و اخويه و أبناءه المستشهدین بین یدیه الف صلوة و سلام و تحیة الی يوم القيامة و أنا العبد الأقل المذنب العاصی محمد حسین سرایانی»

در ترقیمه رساله عقد المحرمیة ۸۵۶۵/۷ (فهرست نسخ خطی کتابخانه آیت الله مرعشی ج ۲۲ ص ۱۴۴-۱۴۷) که از نسخه میرزای قمی چنین قلم زده است: «قد نقلتها من خطّ المحقق المدقق مجمع العلوم و الكمالات میرزا ابوالقاسم افضل تلامیذ مصنفها و أعلمهم و كان قد نقلها من خطّ مؤلفها دام ظلّه العالی و هو استاده و استادنا بل استاد الكلّ فی الكلّ الوحید الفرید آقا محمد باقر بن محمد اکمل الاصفهانی الشهیر بالبهبانی دام افادته علینا و قد فرغت من تسطیرها فی صبیحة يوم الجمعة الحادی و العشرين من شهر ربيع الأول من سنة ۱۱۸۳ فی مشهد مولانا و سیدنا امیر المؤمنین صلوات الله علیه و على آبائه علیهم أمة الهادین المهديّین و أنا العبد الأقل و الأذلّ محمد حسین بن عبد الوهّاب السرایانی الخراسانی التونی عفی عن جرائمهما»

کتابی از سرایانی به نام شجره طوبی در موضوع شناخت سعد و نحس ساعات و ایام و شهر و بروج دوازده گانه در دست است. نسخه هایی از این کتاب در کتابخانه وزیری یزد به شماره ۱۲۲۳ و کتابخانه دانشکده الهیات دانشگاه تهران به شماره ۵۸۲ د نگهداری می شود.

از آثار دیگر او می توان به رساله الشك و السهو اشاره کرد. علامه تهرانی در معرفی این کتاب آورده است: «رسالة في الصلاة، للشيخ محمد يحيى [صحيح: حسين] بن عبد الوهاب السرياني التوني الخراساني، أحد تلاميذ الأستاذ الوحيد البهبهاني، كتبه بالتماس بعض أجلة الإخوان، وأخذ أصوله عن (التحفة الحسينية) لأستاذه الوحيد، رأيت النسخة في مكتبة سيدنا الحسن صدر الدين الكاظمي رحمه الله».

گفتنی ست سرایانی تونی سالهایی در بافق یزد سکونت داشته و در ایام اقامت شیخ احمد احسائی (درگذشته ۱۱۶۶ق) نزد او شاگردی کرده است. شیخ احمد احسائی رساله ای در پاسخ مسائل حدیثی او نگاشته که نسخه ای از آن به شماره بازیابی ۲۴۳۸۰۴۹ در کتابخانه ملی موجود است و به چاپ رسیده است. در هاشم این رساله نیز آگاهی اندکی از زندگی او قلمی شده که عبارتند از: «...عرض می کند که صاحب این مسائل مردی بود ملاحظه حسین نام ساکن در بافق یزد اصلش از سرایان از توابع تون طبرس است که در یزد متوطن شده بود از شاگردهای مرحوم مغفور شیخ احمد اعلی الله مقامه بود و اعتقاد تام به ایشان داشت در این عریضه که به آن مرحوم عرض نموده چهارده حدیث مشکل...»

متن اجازه روایت

در نسخه أجوبة المسائل (کتابخانه دانشگاه تهران) اجازه روایت علامه وحید بهبهانی به او موجود است که عبارتست از:

«...قد أجزت لولدي الروحاني العالم الفاضل الباذل السبحاني العاري عن وسمة نقص وعن كل شين وهين مولانا محمد حسين الأعز الأجدد عبد الوهاب التوني الخراساني أن يروي عني جميع ما هو من تأليفتي ومسموعاتي ومقرّواتي الذي [كذا في النسخة] شايخي العظام الكرام الجسم سايلا منه أدام الله توفيقه وتأييده وتسديده الإحتياط التام في كلّ موضع ومطلب ومقام وأن لا ينساني عن الدعاء في مظانّ اجابات دعواته بل كلّ آن ووقت يدعون نفسه وأسئل الله أن يوفقه لجميع العلوم الضرورية و الفوائد المهمّة وأنا الأقلّ محمد باقر بن محمد أكمل عفي عنهما وأجزت له ورخصته أن يأمر غيره بما علم أنّه الأحوط أن لم يعرف فتوى فيه وإن عرف فيما أفتيه وأسأل الله تعالى أن يوفّقني وجميع المؤمنين السداد والرشاد وهو الولي ملك الهادي أتمس منه السعي في امر الدين وترويج شرع سيّد المرسلين و مذهب الأئمة الطاهرين صلوات الله عليهم أجمعين»

یک نمونه از جواب مسائل علامه وحید بهبهانی:

سؤال: اعظم چیزی که آن جناب را به این مرتبه عالی رسانده، بیان فرمایید؟
جواب: من که از خود چیزی نمی یابم و لا املک لنفسی نفعاً و لا ضراً و اگر چیزی هست البته از تفضل جناب الهی است و همیشه در همه امور متوسل به آن وسائل از آن و متضرع بسوی آن و نهایت شکسته نفسی که خود را هیچ حساب ننمودم و بعرضه چیزی در نیاردم و نهایت ادب استاد و میل قلبی او به نحوی که القلب یهدی الی القلب کار خود می کرد و گاه، مشغول ریاضت و جهاد نفس می شدم و شوق و ذوق طلب علم، به مرتبه ای که هیچ چیز را مساوی آن نمی دانستم و طرف نسبت نیز نمی دانستم، مع ذالک چون حفظ و حمایت الهی نسبت به دین و شریعت، از این که پایمال جهال نشود، خدای تعالی محافظت شرع نمود بسبب و وسیله این حقیر، چه کار آن جناب به اسباب است. و هم چنین رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و ائمه هدی صلوات الله علیهم بغایت خواهان بر طرف نشدن شرع بودند، این روسیاه را وسیله نمودند. هم چنین علما و فقها رضوان الله علیهم تماماً معینان بودند چنانکه بر این حقیر واضح و هویدا شد این معنی، بسبب اموری چند. هرچه هست از خداست نعوذ بالله از آنکه کسی عاق علما و فقها شود چه جای آنکه عاق رسول و ائمه هدی شود و همه به یکدیگر مرتبط است (أجوبة المسائل، نسخه کتابخانه دانشگاه تهران، ۷ ر)

متن فهرست خود نوشت وحید بهبهانی

ما وجد بخط ملا حسین تلمیذه دام ظلّه:

مواد تفصیل رسایل و مصنفات عالیجناب، مقدس القاب، علامی فهّامی، مجتهد العصر و الزمانی استادی، صاحبی، مخدومی ام که اصل خط شریف خودشان مسوده شده بدون زیاده و کم و آن این است که به این طریق قلمی فرموده بودند در پشت رسایل خودشان.

تفصیل مصنفات این اقلّ اذلّ محمد باقر بن محمد اکمل عفی عنهما بمحمد و آله:

۱- رساله مبسوطه در اجتهاد و اخبار و تفصیل احکام و متعلقات آنها

۲- رساله در حل شبهه در جبر و اختیار

۳- رساله در حل نماز جمعه در زمان غیبت مبسوطه و رساله دیگر درین باب مختصرتر

۵- رساله در حکم عصیر عنبی و قمری و زبیبی

۶- رساله در احکام دماء معفو عنها و ما یتعلق بها.

- ۷- رساله در بیان حال جمع بین الاخبار و اقسام جمع و عذر شرعی در جمع مشروع و فساد جمعی که از طرف شرع رخصت نیست.
- ۸- رساله در بیان حجت بودن استصحاب و تفصیل اقسام و مذهب در آن.
- ۹- رساله در حجت بودن اجماع و اقسام آن و تفصیل و احکام آن و حکم شهرة بین الاصحاب.
- ۱۰- رساله در اثبات اصل برائت و تفصیل مذاهب و اقسام آن.
- ۱۱- رساله در عدم حرمت جمع بین العلویّین و بیان شکوک و شبهات متوهّمین در آن.
- ۱۲- رساله در بیان قول فقها که ناس باید یا مجتهد باشند در فروع فقه یا مقلد مجتهد و اینکه ثالث ایشان محتاط است یا نه یا قسمی دیگر می شود یا نه؟.
- ۱۳- رساله در عذر تسمیه بعضی اولاد ائمه (صلوات الله علیه) باسم بعضی از خلفای جور و رفع شبهه در آن.
- ۱۴- رساله در بیان احوال حیل در حلیت ربا و حیل حلال و حیل حرام و تفصیل مذاهب و احکام آنها.
- ۱۵- رساله در بیان اصول اسلام و اصول ایمان و حکم منکر در هر یک و حکم غاصب و غیره.
- ۱۶-۱۷- تعلیقه مکتوبه بر رجال کبیر میرزا محمد رحمته الله و نفع آن به همه کتانهای رجال می رسد؛ مختصری و مبسوطی مختصر بیاض آمده، انشاء الله مبسوط نیز بیاض آید.
- ۱۸- رساله مبسوطه در امامت انشاء الله به بیاض آید که هنوز نیامده.
- ۱۹- رساله مناظره این حقیر با عالم اشعری در باب رؤیت حق سبحانه و تعالی در قیامت و عدم جواز آن و ملجأ شدن اشعری به این که متوقف شد در جوازش.
- ۲۰- رساله در اینکه رؤیت هلال قبل از زوال اعتبار ندارد و حکمش حکم رؤیت بعد از زوال است.
- ۲۱- رساله در حکم عقود علی سبیل القاعده و الکلیه.
- ۲۲- رساله در آن که حکم دختر کوچک شیرخواره یا مثل آن را عقد می نمایند به قدریک ساعت، مثلاً برای محرم شدن مادر به شوهرش و این که این پوچ است و فایده نمی دهد.
- ۲۳-۲۴- فواید حایریه در امور محتاج الیها در فقه که ندانستن آنها ضرر می کند و ملحقات فواید که گاه علیحده می نویسند و گاه متصل.

- ۲۵- رساله کوچک در بیان قیاس.
- ۲۶- شرح بر مفاتیح که الآن تصنیف شده الی نواقض الوضوء و مشغول به تألیف است. امید که انشاء الله سمت اتمام یابد.
- ۲۷- رساله فارسی در فروع دین از طهارت و صلوة و صوم و احکام آنها.
- ۲۸- رساله حیض ناقص.
- ۲۹- رساله فارسی دیگر در معاملات از بیع و صلح و هبه و مضاربه و اجاره و غیره.
- ۳۰- ایضاً رساله دیگر در اصول دین، فارسی؛
- ۳۱- ایضاً رساله فارسی دیگر در احکام زکاة و خمس.
- ۳۲- حاشیه بر مدارک آخر کتاب صلوة و احکام صلوة تماماً مدون و به بیاض آمده.
- ۳۳- حاشیه بر ذخیره مولانا محمد باقر خراسانی تا آخرهای کتاب صوم.
- ۳۴- حاشیه بر شرح ارشاد مقدس اردبیلی از معاملات اکثرش متصل تا کتاب غضب و بعد از آن جسته جسته تا آخر.
- ۳۵- حاشیه بروافی مولانا محسن.
- ۳۶- حاشیه بر حاشیه مولانا میرزا جان بر شرح مختصر عضدی.
- ۳۷- حواشی متفرقه بسیار مثل اول معالم.
- ۳۸- و اول مسالک
- ۳۹- و جسته جسته بر تهذیب
- ۴۰- و اول حاشیه خفری
- ۴۱- و از جمله حاشیه بر شرح قواعد و غیر اینها
- ۴۲- جواب مسائل بسیار از بلاد متفرقه به فارسی
- ۴۳- حاشیه بر دیباچه مفاتیح متضمن چند مقاله: مقدمه اولی؛ در بیان اصول که فقها حجت می دانند و به آنها متمسک می شوند و وجه حجت بودن آنها.
- مقدمه ثانیه؛ در بیان اموری چند که به قیاس می ماند و قیاس نیستند و فقهای شیعه، همه حجت می دانند و وجه حجت بودن آنها.
- مقدمه ثالثه؛ در اجماع ضروری و نظری و ظنی و شهرت و بیان حجت بودن و نبودن و وجه حجت بودن آنها

مقدمه رابعه؛ در حکم تقلید میت و حرام بودن آن وجه حرمت و چاره فقدان مجتهد حیّ
۴۴. نقد و انتخابات جوابات مسائل بسیار از آخند مولانا محمد باقر مجلسی، خال حقیر
که از شخص معتبری از اهل کاشان نقد و انتخاب نمودم و نقض و ابرام نمودم و از اول کتاب
طهارت است تا کتاب دیات از همه ابواب فقه فارسی؛ الان هذا القدر بحضرتی.

۴۵. ایضاً نقد و انتخاب و نقض و ابرام جواب مسائل فقهیه از بعضی از فضلالی
خراسان، فارسی.

جمعا چهل و پنج تصنیف از رسایل و حواشی مطابق اصل و اصل در خدمت عالم فاضل
کامل محقق مدقق استادی صاحبی جناب آقا محمد باقر آدام الله فضله است که به خط شریف
خود مسوده فرموده بودند.

از رسائل مفصله آنچه موجود نیست، به این تفصیل است:

- ۱- احکام؛ رساله در دماء معفو عنها
- ۲- رساله در عذر تسمیه بعض اولاد ائمه (صلوات الله علیه) به اسم بعض از خلفای جور
و دفع شبهه از آن.
- ۳- رساله مبسوطه در امامت که هنوز به بیاض نیامده.
- ۴- حاشیه ذخیره
- ۵- حاشیه بر مفاتیح
- ۶- حاشیه بروافی
- ۷- جسته جسته بر تهذیب و اول حاشیه خفری
- ۸- نقد و انتخاب سؤال و جواب آخوند مرحوم.
- ۹- تعلیقه مبسوط رجال.
- ۱۰- در بیان قول فقها که ناس باید مجتهد باشند یا مقلد.



بیت بنظر لاصحین آئیده نام فقه

مورد تفصیل رسایع و مستحقات عالیجیب محسن القاب علیه السلام منتهی بحمد الله و انانی است در همین فصول
که از قبل خط شریف خورشان مرده شده بدون یاد و کم و زنی است که به هر طریق قلم برود و در آن
لغت است از این فصول که در این کتاب

در این فصول که در این کتاب

رساله در موسطه در اجتهاد و اجتهاد
در مبحث احوال و احکام و مستحقات
رساله در مبحث احوال و احکام و مستحقات
در مبحث احوال و احکام و مستحقات

رساله در مبحث احوال و احکام و مستحقات
در مبحث احوال و احکام و مستحقات
رساله در مبحث احوال و احکام و مستحقات
در مبحث احوال و احکام و مستحقات

رساله در مبحث احوال و احکام و مستحقات
در مبحث احوال و احکام و مستحقات
رساله در مبحث احوال و احکام و مستحقات
در مبحث احوال و احکام و مستحقات

رساله در مبحث احوال و احکام و مستحقات
در مبحث احوال و احکام و مستحقات
رساله در مبحث احوال و احکام و مستحقات
در مبحث احوال و احکام و مستحقات

رساله در مبحث احوال و احکام و مستحقات
در مبحث احوال و احکام و مستحقات
رساله در مبحث احوال و احکام و مستحقات
در مبحث احوال و احکام و مستحقات

رساله در مبحث احوال و احکام و مستحقات
در مبحث احوال و احکام و مستحقات
رساله در مبحث احوال و احکام و مستحقات
در مبحث احوال و احکام و مستحقات

رساله در مبحث احوال و احکام و مستحقات
در مبحث احوال و احکام و مستحقات
رساله در مبحث احوال و احکام و مستحقات
در مبحث احوال و احکام و مستحقات

رساله در مبحث احوال و احکام و مستحقات
در مبحث احوال و احکام و مستحقات
رساله در مبحث احوال و احکام و مستحقات
در مبحث احوال و احکام و مستحقات

رساله در مبحث احوال و احکام و مستحقات
در مبحث احوال و احکام و مستحقات
رساله در مبحث احوال و احکام و مستحقات
در مبحث احوال و احکام و مستحقات

رساله در مبحث احوال و احکام و مستحقات
در مبحث احوال و احکام و مستحقات
رساله در مبحث احوال و احکام و مستحقات
در مبحث احوال و احکام و مستحقات

صفحه نخست فهرست خودنوشت علامه وحید بهبهانی



سنجه (۳۶) اعتقادات شهيد اول

در فهرست مسجد اعظم ج ۴ ص ۵۵۹ گزارش اثری با عنوان «رساله اعتقادات» از مؤلفی به نام «معین الدین علی» آمده است. کتاب یاد شده رساله عقیده الکافیة اثر شهید اول محمد بن مکی است و در مجموعه رسائل الشهید الأول ص ۱۵۳-۱۵۷ و حیاة الشهید الأول به تصحیح محقق پرتلاش استاد رضا مختاری منتشر شده است. این سهو به فهرست دنا ج ۲ ص ۱۷ و فهرست فنا ج ۴ ص ۴۳۷ راه یافته است.

رساله اعتقادیة شهید در فهرست مجلس (ج ۲۳ ص ۱۸۶-۱۸۷) به علامه حلّی نسبت داده شده و بر همان انتساب، متن آن در میراث اسلامی ایران؛ دفتر هفتم ص ۵۳۷-۵۳۸، رساله دوم از «پنج رساله اعتقادی» منتشر شده است. یادآوری می شود؛ رساله پنجم در مجموعه «پنج رساله اعتقادی» که مؤلف آن ناشناخته معرفی شده و تالیف آن به دوره علامه حلّی و شاگردان او نسبت داده شده است، رساله شیخ طوسی است و پیشتر در هزاره شیخ طوسی (الذکریة الألفية للشيخ الطوسي) (چاپ ۱۳۵۴ ش) به تصحیح علامه سید محمد علی روضاتی چاپ شده است؛ و پس از آن نیز در مجموعه الرسائل العشر للشيخ الطائفة الإمامية ابی جعفر محمد بن الحسن الطوسی (چاپ مؤسسه النشر الإسلامی) و کتاب درپرتو روضات؛ پنجاه مقاله در تراجم، کتابشناسی، نسخه شناسی، تاریخ (چاپ مؤسسه کتاب شناسی شیعه، ۱۳۹۱ ش) به چاپ رسیده است.

سنجه (۳۷) ترجمه منظوم لمعه

کتاب لمعه دمشقیة اثر شهید اول محمد بن مکی بارها به زبان عربی به نظم درآمد است که از شمار آن میتوان به التحفة القوامیة فی فقه الإمامیة اثر سید قوام الدین محمد بن محمد مهدی حسنی سیفی قزوینی (درگذشته ۱۱۴۹ ق)، درة الصدف (نظم کتاب طهارت و صلاة) اثر شیخ فرج بن محسن آل عمران، نظم لمعه اثر سیف الدین علی بن محمد جعفر استرآبادی (درگذشته ۱۳۱۵ ق)، سوانح الفقھیة فی عبادات الفرضیة اثر سید محمد باقر بن محمد هاشم موشوی خسروشاهی (قرن ۱۴) نام برد.

ترجمه منظوم فارسی اثر قریحه جناب آقای فرهاد یوسفی (متولد ۱۳۴۴ ش) از شاعران شمال

کشور، شهراهیجان است. وی در این اثر کتاب لمعه شهید را از طهارت تادیات به وزن «فاعلاتن، فاعلاتن، فاعلاتن، فاعلاتن» در ۷۷۱۸ بیت و به فارسی برگردانده است. این اثر در ۳۸۶ صفحه وزیری سامان یافته و نسخه ای از آن در کتابخانه ملی به شماره بازیابی ۵۱-۲۷۹۸۸ نگهداری می شود. در سال ۱۳۸۵ به عنوان رساله کارشناسی ارشد رشته فقه و مبانی حقوق اسلام از سراینده پذیرفته شده است. شاعر این منظومه ترجمه منظوم لمعه را بسیار لذت بخش و روزهای نظم آن را از بهترین سالهای عمر خود یاد می کند و خداوند را برای توفیق و نعمت این اثر سپاس گزار است.

ابیاتی از این منظومه چنین است:

آغاز:

از لحاظ شرع معنایش طهور و هم تمیز
گرنباشد نیتسی ارزش ندارد در زمان
زآسمان نازل نموده آب را پاک و طهور

این طهارت در لغت یعنی نظافت ای عزیز
قصد نیت شرط باشد در طهارت این بدان
چون خداوند تعالی گفته در قرآن نور

پایان کتاب طهارت:

عالم اسلام، همچون او شهیدی کم بدید
فصلهای مختلف پنجاه و یک قسمت، کتاب
هفتصد و هفتاد و شش هجری، او، گشته او شهید
در میان هر کتاب مذهبی بوده ثقیل
در خلال این عمل، او هم هزاران، بزم کرد

هفتصد و هشتاد و شش از سال هجرت شد شهید
فقه شیعه آمده در لمعه اش در چند باب
... هفتصد و سی و چهار بوده شهید یوم و ولد
کرده تالیف لمعه را در حبس ایام قلیل
«یوسفی» هم این کتاب لمعه را بر نظم کرد

پایان کتاب:

آنچه مشهور بوده یا که مهم از آن جناب
تحت تدوین آن درآمد ای برادر این بدان
برد هر ناپاکی از آل ائمه رجس آن
خاندان پاک و با عصمت سراسر آن شکوه
ای برادر و السلام و السلام و والسلام

لمعه خامش گشت و آمد آخرین فصل کتاب
برخی از طلاب دین درخواست کرده آن زمان
آن ستایش می سزد فقط خدا را این بدان
هم درود آن خدا بر این پیامبر، آل او
آخرین بیت کتاب لمعه آمد شد تمام



سنجه (۳۸) نسخه البراهين القاطعه

نسخه ای در کتابخانه سالار جنگ هند به شماره ۱۲۸۳ (الفهارس الموضحة للمخطوطات العربية المحفوظة بمتحف سالار جنگ و مكتبة الخطية (الجزء الرابع) في عقائد الشيعة الامامية ص ۲۴۶) با عنوان «الرسالة في فضائل اهل البيت» معرفی شده که نویسنده آن علی بن ابی الحسن الحسینی الخسروشاهی است. با بررسی این نسخه دست می آید رساله یاد شده همان کتاب «البراهين القطعیة من العقلیة و النقلیة» است این کتاب در دفاع از نظریه های شیخ احمد احسائی تألیف شده است. مؤلف چنان که در متن کتاب نوشته؛ از شاگردان او در سال ۱۳۴۲ ق بشمار می آید و هفت سال نیز نزد سید کاظم رشتی در کربلا دانش آموخته است. منشأ اشتباه آن بوده که مؤلف در پاسخ به رساله ای که ملا عبدالکریم دیلمقانی آورده، این اثر را به رشته تحریر درآورده و در ادامه به دفاع از نظریه های شیخ احمد احسائی در موضوع ولایت و توحید پرداخته است. نویسنده هر پرسش را با خطبه جداگانه و مقدمه ای و خاتمه ای مستقل داده است و پس از چند پاسخ که بیش از نیمی از اوراق کتاب را در بر می گیرد، به عنوان کتاب اشاره کرده است:

«... قد فرغ من تحريره الحقير الفاني علي بن ابي الحسن الحسيني الشهير بالخسروشاهی والله أسئل أن ينفع الناظرين فيه بعين الإنصاف... وكان ذلك في اليوم الثاني عشر من الشهر الجمادي الثاني من السنة الثالثة والستين ومأتين بعد الألف من الهجرة النبوية على هاجرها الثناء والتحية والحمد لله رب العالمين وسميته بالبراهين القطعیة من العقلیة و النقلیة على ردّ أشدّ النواصب والمقترين على العترة الطاهرة النبوية عليه وآله الصلوات والتحيات من مفضلهم و جاعلهم خير البرية».

نسخه دیگری از این اثر در کتابخانه مرکز دایرة المعارف بزرگ اسلامی به شماره ۱۱۷۹/۲ (فهرست ج ۳ ص ۳۵) موجود است.

سنجه (۳۹) دو اثر از علامه شیخ آقا بزرگ تهرانی

بیشتر آثار دستنویس علامه شیخ آقا بزرگ تهرانی در کتابخانه مجلس نگهداری می شود. دو نسخه به خط مرحوم شیخ آقا بزرگ به شماره ۱۱۶۹۹ و ۱۱۷۰۰ (فهرست کتابخانه مجلس ج ۳۴ ص ۴۶ - ۴۷) «یادداشت های متفرقه» و «یادداشت هایی در مورد تاریخ اختلاف مسلمین در احکام فقهی» معرفی شده است. نگارنده سطور این دو نسخه را در کتابخانه مجلس رویت

کرده و معلوم شد اولی کتاب «تاریخ حصر اجتهاد» و دومی کتاب «توضیح الرشاد فی تاریخ حصر اجتهاد» علامه تهرانی است.

این دو کتاب در سال ۱۴۰۱ق (انتشارات مدرسه الامام مهدی (عج الله تعالی فرجه) به تحقیق شیخ محمد علی شوشتری منتشر شده است. رساله توضیح الرشاد در کتاب آقابزرگ تهرانی؛ نامه ها، مقالات و آثاری از شیخ آقابزرگ، و مباحث و مطالبی درباره وی (قم، انتشارات موسسه کتاب شناسی شیعه، ۱۳۹۰) نیز به طبع رسیده است.

سنجه (۴۰) فهرست خود نوشت عرب باغی ارموی

فقیه محدث مرحوم سید حسین موسوی عرب باغی ارموی (۱۲۵۴-۱۳۲۹ش) در طبقه شاگردان شیخ الشریعه اصفهانی، سید محمد کاظم طباطبایی، شیخ محمد کاظم خراسانی، سید محسن کوهکمری تبریزی است. وی در روستای «سعید لوی» ارومیه متولد شد و در شهر ارومیه نیز درگذشت و به خاک سپرده شد. وی بیش از هشتاد تالیف در موضوع اخلاق و آداب و احکام اسلامی و سیره و احادیث اهل بیت علیهم السلام دارد. شماری از آراء و اندیشه های وی از طرف علما و اندیشمندان مورد انتقاد قرار گرفته و پذیرفته نشده است. نامه ذیل که در آن فهرستی از آثار خود را قلم زده در کتابخانه علامه شیخ آقابزرگ تهرانی نگهداری می شود. مرحوم شیخ آقابزرگ بر آن بوده عنوان کتابها را ذیل زندگینامه ایشان در نقباء البشر استدرک نماید و دوسطر نیز به پایان نامه افزوده است. زندگی نامه و آثار مرحوم عرب باغی در منابعی مانند: گنجینه دانشمندان ج ۵ ص ۱۹۷، دایرة المعارف تشیع ج ۱۱ ص ۲۳۱-۲۳۳، نقباء البشر ج ۲ ص ۶۶۲، موسوعة مؤلفی الإمامیة ج ۱۲ ص ۵۱۷-۵۲۱، نام آوران ارومیه ص ۲۴۴-۲۴۶، هدیه بهارستان به زنده یاد میرجلال الدین محدث ارموی ص ۱۹۳-۲۹۹، مؤلفین مشارح ج ۲ ص ۹۰۴-۹۰۹، میراث فقهی غناء و موسیقی ج ۲ ص ۱۵۲۱-۱۵۴۳ آمده است. این نامه به لطف سرور ارجمند علی اکبر زمانی نژاد در اختیار نگارنده قرار گرفت که از ایشان سپاسگزار است.

متن نامه

بسم الله تعالی

بخدمت با سعادت برادر مکرم آقای حاج مختار معینی - دام تأییده - عرض می شود که فرموده بودید که فهرست و اسامی رسائل و کتب خودم را بطریق اختصار نقل نمایم، پس اظهار

می کند که:

اول رسائل: تحفة الإخوان است مشتمل بر چهل دلیل از آیات و احادیث در بطلان جبر و تفویض و بودن امر در بین الأمرین.

دویم: رساله مسالک الشریعه در ترجمه اعتقادات علامه مجلسی اعلی الله مقامه

و سیم: طریق صواب در نجاست اهل کتاب به آیات و روایات و نقل اقوال علماء اعلام

و چهارم: تحفة الأخیار در قرائت ائمه اطهار

پنجم: طریق یقین در مکارم اخلاق با آیات و احادیث طرفین

ششم: نجات ایران مشتمل بر سی مسئله با آیات شریفه و روایات صحیحه

هفتم: سیف فاصل در ردّ قاصر جاهل در مبعوث بودن حضرت رسول الله ص بر تمام

مردمان روی زمین و مبعوث شدن سائر انبیاء اولعزم بر قوم خودشان نه بر همه اهل زمین

هشتم: اساس الایمان در وجوب حجاب حیا و عصمت بزنان

نهم: سیاست فرقانی در ذبح قربانی در مکه و منی.

دهم: احکام سهله در اعمال حج و عمره با آیات و روایات.

یازدهم و دوازدهم و سیزدهم و چهاردهم و پانزدهم: رساله حقوق الاسلام و نواهی الاسلام

و محض الاسلام و آداب الاسلام و احکام الاسلام در یک جلد

شانزدهم: طریق معاش اهل الاسلام.

هفدهم: دعائم الاسلام.

هجدهم: ارکان الاسلام.

نوزدهم: اصل الاسلام.

بیستم: شرایع الاسلام در یک جلد.

بیست و یکم: عقاید الاسلام.

بیست و دویم: مواظب اهل الاسلام در خطبه های انتخاب شده از نهج البلاغه و بحار الانوار

در خطبه های جمعه و اعیاد شریفه مشتمل بر یکصد و شانزده خطبه

بیست و سیم: دلیل واقعی در جواب شیخ احمد وهابی در بودن قباب مبارکه ائمه اهل بت

رسول الله ص مساجد نه مقبره

بیست و چهارم: العروة الوثقی در ردّ نصای.

بیست و پنجم: صراط مستقیم در مباحث الفاظ و اصول الفقه بطریق اختصار
بیست و ششم: الصراط اللسوی در آداب و شرایط مفتی و قاضی.
بیست و هفتم: کشف الیقین در ولادت حضرت امیرالمؤمنین در میان کعبه در تأویل آیه و لله
علی الناس حج البيت.

بیست و هشتم: بیان حقیقه در رفتار صحابه در ظلم کردن بر امیرالمؤمنین.
بیست و نهم: رساله ایضاح در رفع اشتباه در پاک بودن مؤمن بعد از موت او مثل حال
حیات او و وجوب غسل میت و اینکه غاسل شست و شو کننده است نه آن کسی که آب بر
بدن میت میریزد.

سی ام: رساله برهن در پیغمبران ایران با نهایت اختصار
سی و یکم: دعوت بروفاق و مبعوث شدن رسول الله ص بر اهل افاق.
سی و دویم: سیاست الاسلام مشتمل بر چهل سیاست از باب نمونه در سائر احکام.
سی و سیم: ترجمه الموسوی در طبّ الرضوی و النبویّ و اما کتابهای حقیر پس:
اول: آنها کتاب الدرّة البیضاء در احکام مطهّرات و الحیاة.
دویم: کتاب الدرّة الغریّة در احکام ارث با دلائل و استدلال.
سیم: کتاب المسائل النجفیّة در بیان مسائل خمس و مال امام و افضال و بعض مسائل
مشتمل بر بیست مسئله با دلائل و استدلال.

چهارم کتاب اثناعشریّه در دوازده مسئله مهمّه که محلّ اختلاف است در میان علماء امامیه
و تحقیق حق با دلائل و استدلال با تفصیل و این چهار کتاب با رساله صراط مستقیم بالسان
عرب تألیف شده و بغير از المسائل النجفیّه بطبع رسیده.

پنجم: کتاب علم الیقین در فضائل امیرالمؤمنین مشتمل بیکصد و ده فضیلت از احادیث
علماء اهل سنت و شیعه و ذکر عدد احادیث هریکی از فریقین.

ششم: کتاب طریقه بیضاء در بیان ده اشتباه در علماء اهل سنت.

هفتم: کتاب طریقه عزاء در معجزات انبیاء و امامان اهل بیت با اختصار.

هشتم: کتاب طریق حق در حق بودن خلافة امیرالمؤمنین و دروغ بودن فضائل خلفاء با
روایات اهل سنت.

نهم: کتاب مناہج الصلحاء در مطاعن خلفاء و بنی امیّه با روایات علماء اهل سنت.

دهم: كتاب مناهج الكرام در تعيين امام با احاديث علماء اعلام آنها.
يازدهم: كتاب مناهج العارفين در تعيين راسخين در علم قرآن از احاديث اهل سنت كه اميرالمؤمنين و اهل بيت او است.
دوازدهم: مناهج المؤمنين در تأويل و تفسير جمله از آيات قرآن در شان اهل بيت (ع) با احاديث طرفين.
سيزدهم: اساس الاسلام در احكام حلال و حرام با آيات و احاديث ائمه.
چهاردهم: كتاب ايقان در اوامر و نواهي قرآن
پانزدهم: جلد اول قانون الاسلام مشتمل بيكصد و هشتاد ماده با آيات و احاديث ائمه
شانزدهم: كتاب جلد دويم قانون مشتمل بر شصت ماده با آيات و احاديث.
هفدهم: كتاب قواعد الاسلام در اصول الدين و فروع آن از اول طهارت تا آخر ديانت با آيات و احاديث اهل بيت.
هجدهم: كتاب تحفة المهديه در بيان احوالات امام عصر و صاحب الزمان مشتمل بر دوازده باب و در هر باب چهل مطلب.
نوزدهم: تحفة الشيعة در اثبات رجعت و در آيات نازله در شأن امام العصر.
بيستم: كتاب هدايت الانام در ذكر چهل رؤيا از آنهايكيه حضرت صاحب الزمان رادر خواب ديده اند و بر معجزات آنحضرت مطلع شده اند.
بيست و يكم: نصايح منظومه در مواعظ.
بيست و دويم: كتاب اربعين در اربعين در اخلاق و آداب و مواعظ و شرح جمله از احاديث و فعلا آنچه در نظر بوده ذكر كردم و شايد غير از اينها نيز بوده باشد حرره الاحقر حسين بن نصرالله بن صادق الموسوي عرب باغی محرم ۱۳۶۰.
[خط علامه شيخ آقا بزرگ تهرانی] قد كتب هذا المؤلف فهرسه هذا الي الحاج مختار المعيني الرجل الخير الذي باشر طبع المجلدات من تفسير جامع في سنة ۱۳۷۹ و قد ارسله هو الينا و فقه الله لكل الخير.

بِسْمِ اللَّهِ تَعَالَى
 خدمت با سعادت برادر مکرم آقای حاج مختار معینی دام تأیید
 عرض میشود که فرموده بودید که فهرست و اساسی رساله و کتب
 خود را بطریق اختصار نقل نمایم پس اظهار میکنند که اولاً سائل
 تحفه الاخوان است مشتمل بر چهل دلیل از آیات و احادیث در بطلان
 جبر و تفویض و بودن امر در بین الامرین و دوم رساله مسالك الشریعة
 در ترجمه اعتقادات مرحوم مجلسی اعلی الله مقامه و سیم طریق صواعق
 در نجاست اهل کتاب با آیات و روایات و نقل اقوال علماء اعلام
 و چهارم تحفه الاخیار در قرآنه امّیه اطهار و پنجم طریق یقین در مکام
 اخلاق با آیات و احادیث طرفین ششم نجات ایران مشتمل بر سی
 مسأله با آیات شریفه و روایات صحیحه هفتم صیفه فاضل در رتبه خاص
 جاهل در تبعوت بودن حضرت رسول الله ابر تمام مردمان روی زمین
 و تبعوت شدن سایر انبیاء اولوالعزم بر قوم خودشان نه بر همه
 اهل زمین هشتم اساس الایمان در وجوب خیا و عصمت بزنان
 نهم سیاست فرغانی در ذبح قربانی در مکه و مینه دهم احکام سهله
 بر اعمال حج و عمره با آیات و روایات یازدهم و دوازدهم و سیزدهم
 چهاردهم و پانزدهم رساله حقوق الاسلام و نواهی الاسلام و محض
 الاسلام و ادب الاسلام و احکام الاسلام در یک جلد شانزدهم
 طریق معاش اهل الاسلام هفدهم دعائم الاسلام هجدهم ارکان
 الاسلام نوزدهم اصل الاسلام بیستم شرایع الاسلام در یک جلد

صفحه نخست فهرست خود نوشت مرحوم عرب باغی ارموی

شتمل بيكصد و هشتاد ماده با ايات واحاديث ائمه شازدهم
كتاب جلد دويم قانون مشتمل بر شصت ماده با ايات واحاديث
هفدهم كتاب قواعد الاسلام در اصول الدين و فروع ان از
اول طهارت تا اخرويات با ايات واحاديث اهل بيت هجدهم
كتاب تحفة المهديه در بيان احوالات امام عصر و صاحب
الزمان مشتمل بر دوازده باب و در هر باب چهل مطلب نوزدهم
تحفة الشيعه در اثبات رجعت و در ايات نازلہ در شان امام
العصر بيستم كتاب هدايت الانام در ذكر چهل روايه از انبياء
حضرت صاحب الزمان كثر خواب ديده اند و بر معجزات اخبرت
مطلع شده اند بيست و يكم نضايح منظومه در مواعظ بيست
و دويم كتاب اربعين در اربعين در اخلاق و اداب و
مواعظ و شرح جمله از احاديث و فعلا آنچه در نظر بوده ذكر
كردم و شايد غير از اينها نيز بوده باشد حرره الاحقر حنين
بن نصر الله بن صادق الموسوي عرب باغي و محرم ع ۳۱۱
فد كتب هذا المؤلف فهرسه فندك الحاج عثمان المعني الرجل الخمر الذي باشر طبع المجلدات
من نفس جامع في ۳۷۹ و فذارسه هو ابنا و نصر الله الخمر

صفحه پایانی فهرست خودنوشت مرحوم عرب باغی ارموی

